

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی - معاونت پژوهشی
پژوهشکده علوم اقتصادی

گروه اقتصاد مقاومتی

اولین نشست - اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

۲۰ آبان ۱۳۹۱

اعضای نشست (به ترتیب الفبا)

حجت الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی زاده (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر داوود دانش جعفری (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر مسعود درخشان (رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدحسن قوامی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحسین میرمعزی (هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)

دبیر و برگزارکننده نشست:

دکتر مسعود درخشان

سلسله نشست‌های تخصصی پژوهشکده علوم اقتصادی – نشست اول

اعضای شورای پژوهشی پژوهشکده (به ترتیب الفبا):

دکتر علی امامی میبیدی، دکتر جاوید بهرامی، دکتر فتح‌ا... تاری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی‌زاده، دکتر مرتضی خورسندی، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، دکتر عباس شاکری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر تیمور محمدی، دکتر حمید ناظمیان

گروه‌های پژوهشی پژوهشکده

مدیر گروه: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی	گروه اقتصاد پولی و مالی اسلامی
مدیر گروه: دکتر مسعود درخشان	گروه اقتصاد مقاومتی
مدیر گروه: دکتر تیمور محمدی	گروه تولید و سرمایه‌گذاری و اشتغال
مدیر گروه: دکتر حمید ناظمیان	گروه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد
مدیر گروه: دکتر فتح‌ا... تاری	گروه نهادهای اقتصادی و محیط کسب و کار
مدیر گروه: دکتر عباس شاکری	گروه اقتصاد بین‌الملل
مدیر گروه: دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی	گروه اقتصاد بخش عمومی

امور اجرایی: لیلا صفی‌پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سمیرا مؤدب

طراحی جلد: رضا دنیوی

ویراستاری و مقابله‌خوانی: حمیده ترابی

پیاده‌سازی نوارها و ویرایش اولیه: بهرام جاهد

چاپ: دانشگاه علامه طباطبائی

تیراژ: ۳۰۰

مسئولیت صحت مطالب با سخنرانان می‌باشد و پژوهشکده علوم اقتصادی هیچگونه مسئولیتی ندارد.
کلیه حقوق این اثر برای پژوهشکده علوم اقتصادی محفوظ می‌باشد.

مرکز اطلاع‌رسانی، پخش، دریافت پیشنهادها و سفارش‌ها:

فکس ۸۸۷۰۳۲۶۳

تلفن ۸۸۷۱۸۱۱۷

پیشگفتار

اقتصاد مقاومتی، چارچوب تحلیلی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی از تحولات انقلاب اسلامی است و به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی بستر مناسبی برای طراحی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی در فرمایشات مقام معظم رهبری به وضوح تبیین شده است. با وجود این، رسیدن از اقتصاد مقاومتی به نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری‌های بهینه اقتصادی برای رسیدن به اهداف مورد نظر در افق چشم‌انداز با حداکثر کارایی، مستلزم مطالعات عمیق و گسترده در مراکز پژوهشی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است.

پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی با درک این ضرورت، اقدام به تأسیس گروه مطالعاتی اقتصاد مقاومتی نمود و برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در این حوزه را سرآغاز مطالعات جامع نظری و کاربردی این گروه قرار داد. سه نشست تخصصی در اقتصاد مقاومتی با عناوین مبانی نظری، سیاست‌ها و راهکارها، و تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی که ان‌شاء... ماهیانه در پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی در محل دانشکده اقتصاد برگزار می‌شود گامی در همین راستاست.

در اولین نشست با عنوان «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» از نظرات استادان (به ترتیب الفبا) حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم‌علی‌زاده، دکتر داوود دانش جعفری، دکتر مسعود درخشان، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر سیدحسن قوامی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدحسین میرمعزی استفاده شده است که متن پیاده شده فرمایشات هریک از سخنرانان بعد از ویرایش اولیه به استحضار ایشان رسیده و به صورت نهایی در این شماره منتشر شده است. امیدواریم حرکتی که آغاز شده است با حمایت مسئولان استمرار یابد زیرا که ثمربخشی مطالعات و تضارب اندیشه به‌ویژه در حوزه‌های کلیدی همچون اقتصاد مقاومتی نیازمند تداوم چنین کوشش‌هایی است.

دکتر مسعود درخشان
دبیر و برگزارکننده نشست و
رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی

اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

دکتر مسعود درخشان*

موضوع بحث این جلسه، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی است. انشاء... نشست دومی در اواخر آذر ماه برگزار خواهد شد تحت عنوان سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی. نشست سومی که در دی ماه انشاء... برگزار می شود با عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی است. نتایج این نشستها منتشر خواهد شد. دوستانی که در میزگرد تشریف دارند هر یک به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه نظراتشان را در مورد اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مبانی نظری مطرح می کنند. روال کار بدین صورت است که وقتی یکی از بزرگواران در میزگرد صحبت خود را مطرح کرد، نفر دیگر علاوه بر آنکه فرمایشات خود را بیان می کند، اگر خواستند می توانند نقدی بر آنچه سخنران قبلی گفته وارد کنند. در مرحله بعدی در خدمت شما عزیزان هستیم و از حاضرین می خواهیم که سؤالات و نقدهایی را مطرح کنند.

از حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی تقاضا می کنم بحث خود را مطرح فرمایند.

حجت السلام والمسلمین دکتر سیدحسین میرمعزی**

در یک تعریف کوتاه اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می کند. اصل این نظریه متعلق به مقام معظم رهبری است. پیشینه دیگری به این مفهومی که عرض می کنم، ندارد. آنچه در پیشینه اقتصاد مقاومتی بحث می شود

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی

safipour1360@gmail.com

** دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

h.mirmoezi@gmail.com

یکی تحت عنوان اقتصاد حمایتی است که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شده و بحث دیگر، اقتصاد تحریم است که البته اقتصاد تحریم بیشتر از موضع تحریم‌کننده‌ها مطرح شده است. یعنی محور اصلی بحث این بوده است که آیا تحریم کارایی دارد؟ آیا موجب می‌شود که تحریم‌کننده‌ها به اهداف خود برسند؟ در اقتصاد حمایتی بحث این بود که در یک جریان رقابت بین اقتصادهای قوی و ضعیف، قاعدتاً باید کشور ضعیف از صنایع خود در مقابل رقیب قوی حمایت کند. اما اقتصاد مقاومتی در حقیقت به این معناست که ما به یک اقتصاد و یک نظامی می‌اندیشیم که وقتی در مقابل تهدید و حمله دشمن قرار می‌گیرد، رشد می‌کند؛ نه تنها رشد بلکه جهش می‌کند. یعنی نه تنها نمی‌ایستد و عقب نمی‌رود، بلکه همین تهدید را تبدیل به فرصت می‌کند. درست مثل زمانی است که نظام اسلامی در مقابل حمله نظامی دشمن قرار می‌گیرد. در همان هنگام هم در نظام اسلامی ویژگی‌هایی بوجود می‌آید و کل نظام در بخش دولت و مردم آرایشی به خود می‌گیرد که می‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند و پلکانی برای جهش شود که نمونه آن را در زمان جنگ و دفاع مقدس شاهد بودیم.

تلقی بنده این است که اقتصاد مقاومتی حالت ویژه‌ای از نظام اقتصادی اسلام است، یعنی نظام اقتصادی اسلام وقتی در مقابل حمله و تهدید اقتصادی دشمن قرار می‌گیرد به گونه‌ای که نظام اسلامی در معرض خطر قرار می‌گیرد، مبانی و اولویت‌های آن تغییراتی رخ می‌دهد. مجموعه عناصر نظام، آرایشی به خود می‌گیرند که موجب می‌شود همین تهدید، تبدیل به فرصت شود و اقتصاد رشد کند. این تغییرات از اهداف و مبانی شروع می‌شود و به تبع آن به تغییر در سیاستها و برنامه و رفتارهای مردم می‌انجامد. اگر فرض کنیم که اهداف نظام اقتصادی اسلام عبارتست از عدالت، رشد و امنیت، وقتی این نظام در مقابل حمله اقتصادی دشمن قرار می‌گیرد. در میان این سه هدف، یک هدف از اولویت بیشتر برخوردار می‌شود

و دو هدف دیگر از اولویت کمتری برخوردار خواهد بود. هدفی که اولویت بیشتری می‌یابد عبارتست از امنیت، استقلال و خودکفایی اقتصادی؛ البته می‌دانید که این مفاهیم عام و خاص هستند. به تناسب اولویت یافتن این هدف، در سیاست‌ها و برنامه‌ها هم تغییراتی باید حاصل شود تا دستیابی به این هدف میسر شود. وقتی می‌گوییم اولویت می‌یابد یعنی اینکه در این شرایط ممکن است ما اهداف دیگر را برای حفظ استقلال و امنیت اقتصادی کشور فدا کنیم.

پدیده دیگری که رخ می‌دهد در مبانی مکتبی نظام اقتصادی اسلامی است. یکی از مبانی نظام اقتصادی اسلام تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد است. در شرایط تهدید دشمن این مبنا مؤکد می‌شود، یعنی هر چقدر مصلحت جامعه مسلمین و مصلحت نظام مهم‌تر باشد، مصالح فردی به همان نسبت بیشتر فدا می‌شود تا مصلحت نظام حفظ شود.

مسئله بسیار مهمی که در صحبت‌ها یا مقالات به آن کمتر توجه شده و حال آنکه روح اقتصاد مقاومتی است، حاکم شدن فرهنگ جهاد بر حوزه اقتصاد است. می‌دانید که جهاد در فرهنگ اسلامی وقتی مطرح می‌شود که دشمنی در مقابل ما وجود دارد که کیان اسلام را تهدید می‌کند. جهاد دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. در جهاد (در اینجا منظور میدان اقتصادی است)، انسان باید در راه خدا و به قصد قربت برای حفظ نظام حرکت کند.

۲. تلاش و کار مضاعف داشته باشد. یعنی انسان با همه وجود وارد جهاد اقتصادی شود.

۳. جان و مال را در راه این نظام فدا کند. نه تنها در برابر این تلاش هیچ توقعی نداشته باشد بلکه اموال خود را در راه حفظ مصلحت نظام قرار دهد.

عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی که موجب می‌شود تهدیدها تبدیل به فرصت شود، حاکمیت فرهنگ جهاد در رفتارهای اقتصادی مردم و دولت است، یعنی بر

کارگزاران و مردم عادی جهاد اقتصادی واجب می‌شود. تا وقتی که این فرهنگ بر مردم و دولت حاکم نشود بقیه مسائل روبنا است و ماهیت و اصل و حقیقت اقتصاد مقاومتی رخ نخواهد داد و تهدید تبدیل به فرصت نخواهد شد.

مسئله آخر که به نظر بنده باید در اقتصاد مقاومتی به آن توجه شود، مشارکت بیش از پیش مردم در اقتصاد است؛ یعنی تکیه هر چه بیشتر اقتصاد باید بر فعالیتها و حضور مردم باشد.

بنابراین اقتصاد مقاومتی، عبارت است از حالتی که نظام اقتصادی اسلام در وضعیت تهدید جدی دشمن به خود می‌گیرد. در این حالت امنیت و استقلال اقتصادی در بین اهداف اولویت می‌یابد و مبنای تقدم مصالح عمومی بر مصالح فردی به تناسب تهدید دشمن مؤکد می‌شود. جهاد اقتصادی بر مردم و دولت واجب میگردد و مردم بیش از پیش در اقتصاد مشارکت می‌کنند. این مجموعه تغییرات که به دلیل تهدید جدی دشمن در اهداف و مبانی نظام رخ میدهد مستلزم سیاستگذاری‌هایی خاص خود است. که بیان آن را به مجال دیگری وا می‌گذارم. به نظر بنده مقصود مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی چنین مفهومی است و تمام صحبت‌هایی که ایشان در حوزه اقتصاد مقاومتی تا به امروز مطرح کرده‌اند و سیاست‌ها و دستوراتی که صادر فرموده‌اند و حتی نامگذاری سالها را می‌شود با این نظریه توجیه کرد.

دکتر درخشان

از حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی سپاسگزاریم. از جناب آقای دکتر قوامی خواهش می‌کنم که مطالب خودشان را در محور مبانی نظری اقتصاد

مقاومتی مطرح بفرمایند. البته همیشه تقاضای جامعه این بوده است که زیاد راجع به کلیات صحبت نشود و بیشتر به راهکارها پرداخته شود. اما در این جلسه می‌خواهیم در مورد مبانی نظری اقتصاد مقاومتی و درک وجوه افتراق اقتصاد مقاومتی با مقولات دیگری که معمولاً مطرح است بحث کنیم تا در راستای صحبت‌های این جلسه انشاءاً... به جمع‌بندی‌هایی برسیم و در ماه آینده در چارچوب این جمع‌بندی‌ها، راهکارها را ارائه کنیم.

دکتر سیدحسن قوامی*

چند نکته در حوزه مبانی نظری اقتصاد مقاومتی مطرح می‌کنم که در حقیقت پاسخ به چند پرسش است.

۱. چرا مقوله اقتصاد مقاومتی مطرح شد؟
 ۲. منظور از اقتصاد مقاومتی چیست؟
 ۳. مبانی نظری اقتصاد مقاومتی کدام است؟
 ۴. الزامات اقتصاد مقاومتی چی‌ها هستند؟
 ۵. ویژگی‌های سیستمی اقتصاد مقاومتی کدامند؟
 ۶. خطوط راهنما برای تدوین سیاست‌های اقتصادی کشور برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی کدامند؟
 ۷. دستاوردهای مهم اقتصاد مقاومتی چه خواهد بود؟
- در آغاز لازم است بدانیم چرا موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح شد. همانطور که می‌دانید اولین بار این نظریه توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. بر ما دانشگاهیان است که این نظریه را از ابعاد مختلف تبیین کرده و برای اجرایی شدن آن الگویی ارائه کنیم بلکه دستگاه‌های برنامه‌ریزی کشور برنامه‌هایی بر اساس آن

تدوین نمایند تا اقتصاد مقاومتی در بخش های مختلف اقتصادی کشور پیاده سازی شود .

می دانید کشورهایی که همسو با جمهوری اسلامی ایران نیستند که در رأس آنها آمریکا قرار دارد، با توجه به بینش مکتب اقتصاد سرمایه داری، مسائل و موانع اقتصادی را مؤثرترین راه برای اجرای سیاست ها و برنامه های خود می دانند. بر این اساس یک خط سیاسی پایدار و مستمری تحت عنوان تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را چندین دهه است که دنبال می کنند. به همین دلیل مقام معظم رهبری هدف این کشورها را به درستی تشخیص داده و به موقع و در طول چندین سال (دست کم از ۵ سال قبل) عنوان هر یک از سال ها را بر مبنای مفاهیم اقتصادی نامگذاری کرده اند . هدف از نامگذاری سال ها این بوده است که اندیشمندان کشور بر روی موضوعات کلیدی اقتصادی متمرکز شوند.

بدین ترتیب سال ۱۳۸۷ سال نوآوری و شکوفایی، سال ۱۳۸۸ سال اصلاح الگوی مصرف، سال ۱۳۸۹ سال همت مضاعف کار مضاعف، سال ۱۳۹۰ سال جهاد اقتصادی و سال ۱۳۹۱ هم سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری شد. به عبارت دیگر، برای خنثی سازی سیاست های خصمانه دولت های غیرهمسو، شعارهای سال، در حقیقت حلقه هایی بود برای تشکیل منظومه ای کامل در زمینه مسائل اقتصادی که ما بتوانیم اقتصادمان را از موانعی که بر سر راهش ایجاد می شود عبور دهیم. این یک جنگ اقتصادی است که علیه ما شروع شده است. این کشورها به اتکای تسلطی که بر نظام مالی و تجاری جهان دارند، مشکلات گوناگونی را برای کشور ما از طریق سیاست تحریم اقتصادی ایجاد کردند. علت اینکه موضوع اقتصاد مقاومتی در سال جاری یا از سال قبل مطرح شد، این است که تحریم ها علیه ما از سال گذشته گسترده تر و فشرده تر شده است یعنی مسیر اقتصادی کشور خیلی صعب العبورتر شده است. بر همین اساس، طرحی نو باید انداخته می شد که بتواند

اقتصاد کشور را هدایت کند. لذا موضوع اقتصاد مقاومتی برای مقابله با این مشکلات طراحی و اعلام شد.

منظور از اقتصاد مقاومتی چیست؟ به لحاظ نظری ما چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم؟ اگر دنبال راهکار هستیم، چه حوزه‌هایی را بایستی رصد کنیم؟ در چه زمانی و چه اقدام مناسبی را باید انجام دهیم؟ و مبانی نظری آن چیست؟

منظور از اقتصاد مقاومتی ریاضت اقتصادی نیست، همچنین منظور قطع ارتباط اقتصادی با کشورهای خارج و یا طراحی یک اقتصاد بسته در کشور نیست. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که فعالیت‌های اصلی اقتصادی آن در زمینه تولید و تجارت به مهارت‌های خود متکی بوده، در تعامل با خارج هوشمند عمل کرده و امکان تغییر سریع و خودکار و بدون ایجاد اختلال جدی در بازار در مقابل فشارها و ضربه‌های تحمیلی بیرونی از سوی کشورهای متخاصم و غیرهمسو را داشته و پیشرفت و شکوفایی خود را استمرار ببخشد. بنابراین با توجه به این دیدگاه و عنایت به برداشتهای از مباحث مقام معظم رهبری و دیگر صاحب‌نظران در این خصوص می‌توان اقتصاد مقاومتی را به این شکل تعریف کرد: اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب‌راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درونزا و برونگرا باشد.

در بحث‌های رایج اقتصادی از دیدگاه مبانی نظری، با وجود قدمت طولانی تحریم‌ها، الگویی با نام الگوی اقتصاد مقاومتی تاکنون مطرح نشده است. البته این تحریم‌هایی که تحمیل شده‌اند به اهداف خود نرسیده‌اند چه این تحریم‌ها برای ایران بوده و چه برای کشورهای دیگر، البته گرچه تحریم‌ها به هدف خود نرسیده‌اند اما به هر حال تأثیرگذار بوده و برای کشورهای مورد تحریم مشکلاتی ایجاد کرده‌اند. طبیعتاً تحریم‌های اقتصادی در کشور ما هم تأثیرگذار بوده و

مزاحمت‌هایی متعددی را برای ما بوجود آورده است اما هدف اصلی این تحریم‌ها به هیچ وجه محقق نشده است. در مورد کشورهای دیگر هم وضع به همین صورت بوده است. مثلاً کوبا بیش از ۵۰ سال تحت تحریم اقتصادی آمریکا بوده است ولی هنوز هیچگونه دستاوردی موثر برای این تحریم ۵۰ ساله مشاهده نشده است. تحقیقی که آقای هافبیر^۱ در سال ۲۰۰۷ انجام داده بیانگر این حقیقت است که از سال ۱۹۱۴ تا سال ۲۰۰۶ تعداد ۱۷۴ مورد تحریم اقتصادی اتفاق افتاده که ۶۷ درصد آنها بی‌اثر بوده است. البته منظور از اثر، همان عدم نیل به هدفی است که برای تحریم‌ها در نظر گرفته شده بود.

در رابطه با پشتوانه و بحث نظری مقاومت به معنی اعم که از جمله آن اقتصاد مقاومتی است در ادبیات دینی آیات متعددی در قرآن کریم داریم. برخی آیات بر استقامت و مقاومت تأکید می‌کنند که نوعاً نویدبخش هم هستند. در جایی از قرآن اشاره می‌شود به اینکه اگر مقاومت کنید پیروز خواهید شد. شما دستاوردی که خواهید داشت همان بهشتی است که به شما وعده داده شده است. یا موارد دیگر مانند آیه ۳۰ سوره فصلت، آیه ۱۶ سوره جن، آیه ۱۲ و ۱۳ سوره هود، آیه ۵۰ سوره شوری که هر کدام به نوعی پایداری در راه هدف و فرمان الهی را که موجب گشایش می‌شود نوید می‌دهند.^۲

البته از این آیات الهی، اصولی هم قابل استخراج است که براساس آن می‌توان نظریه اقتصاد مقاومتی را مطرح و الگوی اقتصاد مقاومتی را با توجه به آن طراحی و پیگیری کرد. مثلاً در قرآن آیه ای داریم که بیانگر تاکید بر مقاومت است و این

1. Hufbauer, et al (2007)

۲. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْحَسَنَةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت ۳۰)، إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف ۱۳)، وَاللَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن ۱۶)، فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (هود ۱۱۲ و ۱۱۳)، فَلذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالِكُمْ لَأَحْصِيَنَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری ۱۵)

آیات اصول و حیانی هستند که به موضوع مقاومت اشاره مستقیم و به موضوع اقتصاد مقاومتی اشاره ضمنی دارند مثل اصل تداوم دشمنی دشمن تا دست برداشتن از دین. آیه ۲۲۰ سوره بقره می‌فرماید که تداوم دشمنی ایشان تا اینکه شما از دینتان برنگردید ادامه خواهد داشت. آیه ۱۲۰ سوره بقره می‌فرماید که هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا بطور کامل تسلیم خواسته‌های آنها شوی و از آیین آنها پیروی کنی. در این آیات اصل همبستگی مثبت، ایمان، صبر و تقوی با امدادهای الهی، اصل نفی سبیل و لزوم استقلال بیان شده است. آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید که خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. آیه ۶۰ سوره انفال اصل لزوم بازدارندگی را اعلام می‌کند. یا در جای دیگر می‌فرماید که هر نیرویی که در قدرت دارید برای مقابله با دشمنان آماده سازید، از جمله اسب‌های ورزیده و ... یا اصل برتری مؤمنین و منع سستی و نگرانی که این آیه بیانگر مقاومت و به نوعی مبانی خاص اقتصاد مقاومتی است. آیه ۱۳۹ سوره آل عمران می‌فرماید که غمگین نشوید، شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید و ... لذا موارد گوناگونی راجع به مبانی نظری بحث مقاومت بصورت صریح و بحث اقتصاد مقاومتی به صورت ضمنی در آیات قرآن کریم وجود دارد که از آنها به اصول و حیانی اقتصاد مقاومتی یاد می‌کنیم.^۱

۱. ۱) اصل تداوم دشمنی دشمن تا دست برداشتن شما از دین: وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره: ۲۲۰)، وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره: ۱۲۰)، ۲) اصل همبستگی مثبت ایمان، صبر و تقوی با امداد الهی: وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّدَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُبَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران: ۱۲۳ تا ۱۲۵)، ۳) اصل نفی سبیل و لزوم استقلال: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)، ۴) اصل لزوم بازدارندگی: وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (انفال: ۶۰)، ۵) اصل برتری مؤمنین و منع سستی و نگرانی: لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)، ۶) اصل تلازم برکت با ایمان و تقوا: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)، ۷) اصل هدایت مجاهدین و دفاع از مؤمنین: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنكبوت: ۶۹)

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر قوامی. از حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر علیزاده خواهش می‌کنم مطالبشان را ارائه فرمایند.

حجت‌السلام والمسلمین امیر خادم علیزاده*

بنده صحبت‌هایم را در دو محور مقدماتی و یک محور اصلی ارائه می‌کنم.

۱- مفهوم‌شناسی و مفهوم‌پردازی اقتصاد مقاومتی

به نظر می‌رسد مفهوم‌پردازی و رسیدن به وحدت نظری و اجماع فکری در ارتباط با موضوعات چنین نشست‌هایی بسیار مهم است. مفهوم‌پردازی می‌تواند یک گفتمان اقتصادی در این زمینه را هماهنگ کند. به نظر من، اکنون نوعی تشتت در تعریف اقتصاد مقاومتی یا نظریه اقتصاد مقاومتی وجود دارد.

مفهوم‌پردازی اقتصاد مقاومتی از آن رو اهمیت دارد که ادبیات اقتصادی درباره آن را هماهنگ و کارآمد می‌سازد. همچنین می‌تواند در سایه بیان ویژگی‌های مفهومی آن، در یک گفتمان‌سازی در بین اقتصاددانان، زمینه نظری لازم برای اجماع نظریه‌پردازان و تصمیم‌سازان کشور بر روی الگویی کامل را فراهم نماید. همین‌طور می‌تواند در یک گفتمان مشترک همه را به یک اجماع نظری برساند.

در همین زمینه، یک برداشت نادرست از اقتصاد مقاومتی که گاهی نیز شنیده می‌شود، این است که: اتخاذ یک موضع انفعالی در برابر تهاجم، تهدید یا تحریم‌های اقتصادی و پذیرش ریاضت، محدودیت و محرومیت. در حالی که در مفهوم‌پردازی صحیح اقتصاد مقاومتی، کسب توانمندی‌های بیشتر و جدیدتر و اتخاذ موضع فعال و پویا برای ایستادگی و ماندن و خنثی کردن راهبردهای تحریمی بیگانگان و کسانی که منافع‌شان با ما ناهمسوست محور اصلی را تشکیل می‌دهد که براساس یک نظام کارآمد اقتصادی و با تکیه بر منابع داخلی عمل می‌کند. بنابراین برداشت من این

است که اقتصاد مقاومتی یک الگوی خاص است و یک برنامه کوتاه‌مدت یا ترمیمی یا حتی موازی با برنامه‌های متعارف نیست بلکه الگویی است با مبانی، اصول، الزامات، سیاست‌ها و راهکارهای خاص خود. یک تعریف دیگر این است که اقتصاد مقاومتی یک راهکار محض دفاعی اقتصادی نیست، یعنی نه اینکه فقط بمانیم و دفاع کنیم و یا انفعال کوتاه‌مدت در برابر تحریم‌ها داشته باشیم بلکه الگویی اسلامی، بومی و ایرانی در عرصه اقتصاد است. این تعریف البته متضمن نکات فراوانی است. مقاومت در جایی است که نوعی تعدی و فشار و تهاجم وجود داشته باشد و قیام کردن و ایستادگی در برابر این زور و هجوم بیگانه، ریشه در باورهای دینی و فرهنگی جامعه دارد. در این صورت مقاومت اقتصادی، ایستادگی در عرصه اقتصاد است که در تاریخ اقتصادی کشورهای هم‌چون آلمان، ژاپن، هند به شکل‌های متفاوتی بروز کرده است.

توجه شما را جلب می‌کنم به سابقه اقتصاد مقاومتی در ویتنام با جغرافیا، ارزش‌ها و فرهنگ خاصی که در آن کشور وجود دارد، ژاپن از دهه ۵۰ به بعد، و همچنین آلمان و هند. اینها شکل‌های دیگری از همان اقتصاد مقاومتی است که ما شاهدش بودیم.

۲- متدولوژی (روش‌شناسی) نظریه اقتصاد مقاومتی

دومین نکته‌ای که برای طرح مبانی اقتصاد مقاومتی اهمیت دارد، روش‌شناسی نظریه اقتصاد مقاومتی است. مسلماً فلسفه هر علمی و در اینجا اقتصاد مقاومتی، از دو بخش معرفت‌شناسی و ماهیت‌شناسی این دانش، تشکیل می‌شود. اگر این شاخه از دانش اقتصادی را اثباتی و مهندسی محض بدانیم، مسلماً در بحث روش‌شناسی به دنبال اعتبارسنجی ارزیابی بهترین الگوی مهندسی در شرایط تحریم و تهدید هستیم که دیگر خاص علوم انسانی نیست بلکه دانشکده‌های فنی هم در این زمینه مشارکت خواهند داشت. رویکرد دوم، نگاه دستوری محض است که شاخه‌ای است با

روش‌شناسی خاص خودش. اما به نظر می‌رسد در یک رویکرد ترکیبی که رویکرد سوم مورد نظر بنده است، نظریه دانش اقتصاد مقاومتی، ماهیتی دستوری همراه با مهندسی سازگار است که در این صورت روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد که در چارچوب ارزش‌هاست، همان‌طور که در ویتنام مهندسی شد یا آنگونه که مردم ژاپن در خرابه‌ها راه می‌رفتند و می‌گفتند که چون ما هنوز خودمان دمپایی تولید نمی‌کنیم پس ما دمپایی به پا نمی‌کنیم. ما در کشور خود خیلی فراتر از این داریم اما گویا به این مسائل پرداخته نشده است.

اگر اقتصاد مقاومتی را دارای ماهیتی دستوری همراه با مهندسی سازگار، تلقی کنیم، مسلماً روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد که در آن باید به دنبال ارزیابی و اعتبارسنجی شیوه‌ای باشیم که مهندسی کردن اقتصاد و تخصیص بهینه منابع را در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگی و بومی و اصول راهبردی خاصی، مورد هدف خود قرار می‌دهد. برای نمونه، در عرصه و نظریه تولید، تابع هدف، حداکثر کردن میزان تولید کالای خاصی (مانند ضروری بودن، ارزآور بودن، استراتژیک بودن) با توجه به محدودیت منابع و قید بودجه تحریمی است.

۳- مبانی نظریه اقتصاد مقاومتی

پس از ذکر این دو مقدمه، به بحث مبانی نظریه اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم. اقتصاد مقاومتی، مهندسی اقتصاد در وضعیت خاصی است که این وضعیت ممکن است درون خود جامعه ایجاد شده باشد مانند کمبود، قحطی، بلایای طبیعی، سوء مدیریت، و یا آنکه ممکن است ناشی از محدودیت‌های برونزا باشد. تحریم‌هایی که به اقتصاد ما تحمیل شده ناشی از بستن راه ارتباط و مبادله و محدودسازی مبادلات پولی، مالی و ارزی است. ولی هر نوع مهندسی را اقتصاد مقاومتی مورد نظر من دربر نمی‌گیرد یعنی با مهندسی اقتصاد در جغرافیای ژاپن و آلمان و فرهنگ و آداب و رسوم آنها متفاوت است. اگر به خویشن خویش برگردیم، تفاوت در فرآیندها و

کالاهای تولیدی و حتی تکنیک‌هایی که آن را به کار می‌گرفتند نیز ممکن است وجود داشته باشد. پس این جهت‌گیری فلسفی در نگاه ما به اقتصاد مقاومتی باید خود را در طراحی اصول و بکارگیری تکنیک‌های تولیدی و روابط مبادله و الگوی مصرف و توزیع نشان دهد. بنابراین مهم‌ترین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی را برمی‌شمارم.

۱. اولین آن، عدالت اجتماعی است، یعنی یک مبنای نظری که باید سراغ این الگو رفت اجرا یا تحقق عدالت اجتماعی است که در آیه ۲۵ سوره حدید بصورت گویا بیان شده است. یعنی بخاطر اجرای عدالت اجتماعی باید چنین شکلی از اقتصاد را در پیش گرفت تا منافع امت اسلامی (کشورما) در برابر بیگانگان حفظ شود قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ...» هر آینه پیامبران را با حجت‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب - که وسیله تمیز حق از باطل است - و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به داد و انصاف برخیزند و آهن را فرو آوردیم که در آن نیرویی سخت - سلاح و وسایل کارزار و مانند آن - و سودهایی [دیگر] برای مردم است...» (حدید / ۵۷، ۲۵)

۲. دومین آن، عزت و اقتدار اقتصادی است. در آیاتی از قرآن کریم این بحث وجود دارد که مفسران به آن، عنوان اعداد قوه یعنی توانمندسازی جامعه را داده‌اند. پس به جامعه اسلامی امر شده است که با هر قوه‌ای که وجود دارد خود را توانمند سازد و امروز یکی از این مظاهر، توانمندی اقتصادی در کنار توانمندی‌های دیگر است. برای عزت و رسیدن به اقتدار اقتصادی، باید در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و ... به گونه‌ای عمل کرد که متأثر از تصمیم‌های بیگانگان که سلطه آور است نباشیم.

باید توجه داشت که استقلال و اقتدار اقتصادی در کنار استقلال سیاسی جامعه اسلامی، از لوازم عقلی برخی آیات قابل استفاده است. در ادبیات اقتصاد اسلامی، اخیراً گاهی از اقتدار اقتصادی امت اسلامی به «استقلال اقتصادی» آنها تعبیر می‌شود که می‌توان آن را شرط لازم اقتدار اقتصادی امت مسلمان دانست.

منظور از استقلال اقتصادی، عدم پذیرش سلطه دیگران در تصمیم‌گیری اقتصادی و تأمین تمام یا عمده کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصادی است گرچه به دلایل اقتصادی همچون هزینه کمتر و مانند آن، دولت اسلامی تصمیم بگیرد به واردات برخی کالاها اقدام کند چون استقلال اقتصادی لزوماً با ارتباط و مراوده اقتصادی منافات ندارد. مثلاً در آیه ۶۰ سوره انفال، گرچه ظاهر آیه مربوط به مسائل نظامی یا جنگ است ولی به گفته بسیاری از مفسران که در رأس آنها علامه طباطبائی است، مسلماً شامل هر نوع قوه‌ای می‌شود که بتوان در برابر تحریم‌ها و تهدیدها مقاومت و ایستادگی کرد، زیرا که با وابسته بودن امت اسلامی، بیگانگان از چیزی نمی‌ترسند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ ...» و برای [کارزار با] آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته [وزین کرده] آماده سازید تا بدینوسیله دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگرانی جز اینان که شما نمی‌شناسید - خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید ...» (انفال / ۸، ۶۰)

به نظر ما گرچه ظاهر آیه مربوط به جنگ و دفاع است ولی عبارت «من قوه» شامل هر نیرویی است که باعث حفظ جامعه اسلامی در مقابل دشمنان می‌شود و اسب و یا هر نوع سلاح جنگی یکی از مصادیق «من قوه» است. بنابراین، آیه شریفه که می‌فرماید نیرو فراهم کنید تا دشمن را به هراس افکند، لازمه‌اش این است که در تمام زمینه‌ها از جمله بعد اقتصادی، مسلمانان، مستقل و خوداتکا باشند و الا با وابسته بودن به دیگران، امت اسلامی برای کفار، ترسی نخواهد داشت. به علاوه، روایاتی

در تفسیر آیه شریفه وارد شده که با استفاده از آنها، شمول آیه نسبت به توان اقتصادی را بهتر می‌توان فهمید. مانند آماده‌سازی خود با شمشیر و زره و تیر و ...^۱ از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: سیاه کردن موی صورت (برای پیرمردان) از مصادیق «قوه» در آیه است.

آیه دیگری که ما را دعوت به مقاومت کرده و اینکه زیر سلطه دیگران نباشیم، آیه نفی سبیل است که بیان می‌کند راه تسلطی نباید دشمنان بر شما داشته باشند، چه در سیستم‌های پولی، مالی، اقتصادی و چه در حوزه‌های نظامی و حقوقی. لذا این آیه نیز یکی دیگر از مبانی دینی در رابطه با اقتصاد مقاومتی است. «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» ... و خدا هرگز برای کافران [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است. «(نساء / ۴، ۱۴۱)

از آنجا که واژه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می‌رساند از آیه شریفه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نباید بر افراد با ایمان چیره شوند. علاوه بر آیه قوه و تفسیر آن که اشاره به مدیریت درست با رویکرد کسب قدرت و اقتدار از جمله در بعد اقتصاد دارد و به عنصر توانمندی در برابر دشمنان خدا نظر دارد و کسب قوه را از راه‌های مختلف مورد تأکید قرار می‌دهد، می‌توان از آیات دیگری از قرآن کریم الهام گرفت که به خلاقیت و نوآوری برای حمایت از جامعه تأکید دارد. مانند: «وَعَلَّمَآهُ صَنْعَهُ لَبَّسَ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» و ساختن زره را به او - داود پیامبر - تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند...» (انبیاء / ۲۱، ۸۰) لباس، هرگونه اسلحه دفاعی و تهاجمی مانند زره، شمشیر و نیزه را شامل می‌شود گرچه در این آیه با توجه به قرائنی، به معنای زره است.^۲ اشاره قرآن

۱. المیزان، ج ۹، ص ۱۳۰.

۲. نمونه، ج ۱۳، ص ۴۶۵.

به تعلیم یا الهام صنعت زره‌سازی نمونه‌ای از توجه قرآن به خلاقیت و ابتکار و تولید صنعتی است.

آیه شریفه «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ...» (مؤمنون/ ۲۳، ۲۷) نمونه‌ای دیگر است که مربوط به صنعت کشتی‌سازی و آموزش آن است. امام صادق (ع) با اشاره به اهمیت پرداختن به صنایع مختلف می‌فرماید: «خداوند، راه رسیدن مردمان به روزی و درآمد اقتصادی را در کارهای گوناگون صنعت‌های مختلف قرار داد و این تنوع در شیوه‌ها و کارهای اقتصادی مختلف، برای بقای نوع بشر، پایدارتر و برای تدبیر امور حیات، صحیح‌تر است.^۱ از کلام این امام بزرگ می‌توان نتیجه گرفت برای حفظ جامعه اسلامی و امور آن از جمله امور اقتصادی، تنوع در شیوه‌ها و کالاها، ضریب ماندگاری و بقا و مقاومت همه‌جانبه را افزایش داده و از نظر تدبیر امور و سیاست‌گذاری از صحت بیشتری برخوردار است (در مواجهه با تحریم‌ها و تهدیدها). در این آیه، قرآن به تعلیم یا الهام صنعت زره‌سازی به عنوان نمونه‌ای از صنایع دفاعی اشاره می‌کند که می‌تواند بیانگر توجه قرآن به خلاقیت و ابتکار و تولید صنعتی باشد. در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: «فأوحينا إليه ان اصنع الفلك» (مؤمنون ۲۳/۲۷)، نمونه‌ای دیگر است که مربوط به صنعت کشتی‌سازی و آموزش آن است.

ما آموزه‌های دینی زیاد داریم که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم تا از نظر تدبیر امور و سیاست‌گذاری در مواجهه با تحریم‌ها و تهدیدها از صحت بیشتری نیز برخوردار باشیم.

۳. سومین مبناي نظری، رشد و آبادانی است. چون خداوند از ما، رشد و آبادانی را خواسته و شرایط و زمینه‌های آن را برای ما فراهم نموده ناگزیر در شرایط تحریم، بطور جدی‌تری باید اقتصاد بومی یعنی تلاش و سرمایه‌گذاری و تولید را با تکیه بر سرمایه‌ها و امکانات خودمان دنبال کنیم. قرآن می‌فرماید: «... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ

و استَعْمَرَكُم فِيهَا...» او شما را از زمین آفرید و شما را در آن زندگانی داد- یا شما را به آبادانی آن وا داشت-...» (هود/ ۱۱، ۶۱) برخی مفسران معنای عمران و آبادی و پرداختن به اموری که لازمه‌اش توجه به رشد اقتصادی است را در آیه ترجیح داده‌اند.^۱ برخی دیگر به تصرف در زمین و بهره‌گیری از آن، جهت تأمین نیازهای زندگی که عبارت دیگری از توجه به رشد و رفاه اقتصادی است توجه داده‌اند.^۲ یعنی با خاستگاه قرآنی توجه به رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی معیشتی نیز، الزام به مقاومت و ایستادگی در برابر کسانی داریم که خواستار حذف امت اسلامی و در تنگنا قرار دادن برای تأمین معیشت آن برای رسیدن به حیات طیبه دارند.

۴. یکی دیگر از موارد استقلال و اقتدار در عرصه دانش و فناوری است. لزوم اقتدار در عرصه علم و فناوری، از کلام قرآن ناطق، امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز بخوبی قابل استفاده است که فرمود: العلم سلطان، من وجده صال ومن لم يجده صیل علیه (امام علی (ع) / نهج‌البلاغه) امام علی (ع) می‌فرماید: ذات علم سلطان است و اقتدار می‌آورد. فرد و جامعه‌ای که قدرت علمی را پیدا کرد، در موقعیت برتری قرار می‌گیرد ولی اگر به این جایگاه برتر دست نیافت، مغلوب شده و دیگران بر او سلطه پیدا می‌کنند.

در شرایط کنونی جهان، مظاهر استقلال در عرصه علم و دانش، تعداد بیشتر نوآوری‌های علمی و فناوری، پیدا کردن راههای جدید برای تولید، مبتنی بر تولید و سرمایه‌ها و نهاده‌های بومی در چارچوبی اسلامی است.

۵. مورد بعد، ناهمسویی منافع جامعه اسلامی با منافع قدرتهای بزرگ اقتصادی است. منافع جمهوری اسلامی ایران با منافع همه قدرتهای بزرگ اقتصادی ناهمسوست. همین ناهمسویی به عنوان مهم‌ترین مبنا که مورد نظر دین هم هست می‌تواند برای عزم و انسجام ملی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی عامل مهمی باشد.

۱. المنار، ج ۱۲، ص ۱۲۱؛ الکشاف، ج ۲، ص ۴۰۷.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

ناهمسویی منافع کشورهای اسلامی با منافع اکثر قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان، یکی از آشکارترین دلایل ضرورت توجه به اقتصاد بومی و مقاومتی است. چرا که اقتصادهای برتر به دنبال پیدا کردن بازارهای مصرف و بازارهای هدف صادراتی در کشورهای کوچکتر و اقتصادهای ضعیف و نوظهور هستند و ماهیت سلطه‌گری آنها ایجاب می‌کند که از طریق انحصارهای اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی، مانع از پیشرفت، خوداتکایی و استقلال و توانمندی اقتصادی آنها شوند. اما در دهه‌های اخیر ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک به حمایت از انحصارهای اقتصادی برخاسته و ادبیات تحریم‌های گوناگون را شکل داده است.

لزوم حفظ نظام حتی به عنوان دلیل ثانویه دینی و فقهی، می‌تواند باعث پیوند همه اقوام و گروهها در کشور ما باشد و این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران یک هدف استراتژیک است و یک مبنای نظری بسیار مهمی برای اقتصاد مقاومتی است، یعنی همه باید مشارکت داشته باشند. یک نمونه کوچک از اقتصاد مقاومتی هند برای من جالب بود که یک فروشنده هندی به یک خریدار پارچه خارجی التماس می‌کرد و می‌گفت که من حاضرم پارچه‌های تولید داخلی خودم را خیلی ارزان‌تر به تو بفروشم اما تو را به خدا کالای خارجی نخر. ولی وقتی او پذیرفت و کالای خارجی را خرید، این فروشنده هندی با ناراحتی و عصبانیت با قیچی بزازی مقداری از انگشت خود را برید و گفت که تو خون یک هندی را ریختی. چون مانع درآمد یک هندی و زنده ماندنش شدی. ما در آموزه‌های دینی‌مان خیلی بیشتر از ناسیونالیسم هندی و مبارزه منفی، فرهنگ غنی اسلامی را داریم.

دکتر درخشان

از فرمایشات جناب آقای علیزاده سپاسگزاریم. با توجه به اینکه در برخی دیدگاه‌ها، یکی از دلایل مطرح شدن اقتصاد مقاومتی را تحریم‌های اخیر یا شدت گرفتن آن

می‌دانند، توجه به این نکته ضروری است که تحریم‌ها همیشه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است. حتی من فکر می‌کنم مادامی که وجه اسلامی نظام ما با قدرت حفظ شود این تحریم‌ها همچنان خواهد بود. جناب آقای دکتر دانش جعفری بحث کوتاه خود را به تاریخچه و تحولات تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران منحصر کرده‌اند. از جناب آقای دکتر دانش جعفری خواهش می‌کنم که مطالب خود را بفرمایند. اما قبل از ایشان، جناب آقای دکتر قوامی تمایل دارند نکته‌ای را مطرح کنند که در خدمت ایشان هستیم.

دکتر قوامی

نکته‌ای را مناسب می‌دانم توضیح دهم این که جناب آقای علیزاده در صحبت‌هایشان فرمودند که اقتصاد مقاومتی ریشه سوابق تاریخی دارد. به نظر من باید به این بحث بایستی توجه دقیق داشت: ما یک اقتصاد جنگی داریم و یک جنگ اقتصادی. آنکه معمولاً سابقه تاریخی دارد و بحثهای مختلف نظری هم در موضوع آن مطرح شده، بازسازی اقتصاد ناشی از جنگ و اقتصاد جنگی است که در آلمان، ژاپن و ویتنام و... اتفاق افتاده است. اما اقتصاد مقاومتی در خصوص جنگ اقتصادی است. اگر جنگ اقتصادی که هم‌اکنون علیه ما شروع شده است برای این کشورها شروع کنند حتی در وضعیت فعلی آنها با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد آنها به صورت یک اقتصادی مقاومتی شکل نگرفته است. منظور اینجا Strength Economy است.

دکتر درخشان

جناب آقای دکتر قوامی نکته بسیار مهمی را مطرح کردند. در آینده به این مسئله خواهیم پرداخت که این وجه تمایز تا چه حد ثمره‌اش در سیاست‌ها و راهکارها ظاهر خواهد شد. در خدمت جناب آقای دکتر دانش جعفری هستیم.

دکتر داود دانش جعفری*

من چند نکته را در مورد تاریخچه تحریم‌ها خدمتان عرض می‌کنم تا متوجه شویم که چرا ما باید یک برنامه دیگری را متفاوت از برنامه‌هایی که تاکنون اجرا کرده‌ایم، دنبال کنیم.

اولین دور تحریم، ۹ ماه بعد از انقلاب اسلامی یعنی در سال ۱۳۵۸ صورت گرفت. این دور تحریم مصادف بود با دوره‌های ریاست جمهوری کارتر، ریگان و جرج بوش پدر، یعنی بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳. این تحریم‌ها عمدتاً مصوب دولت آمریکا بود، یعنی مثل بخشنامه اجرایی شروع می‌شد، دولت تصویب می‌کرد ولی مصوبه قانون مجلس آمریکا نبود. هدف این تحریم، ممنوعیت واردات نفت ایران به آمریکا، مسدود شدن دارایی‌های ایران در آمریکا، ممنوعیت فروش سلاح و کلیه تجهیزات با مصرف دوگانه به ایران، ممنوعیت صادرات هرگونه کالا به ایران، ممنوعیت نقل و انتقال مالی بین ایران و آمریکا، ممنوعیت سفر اتباع آمریکا به ایران و افزایش فشار برای کاهش استفاده ایران از منابع مالی سازمان‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی از طریق کاهش کمک آمریکا به این کشورها دقیقاً به اندازه‌ای که این سازمان‌ها به ایران وام بدهند، مثلاً اگر بانک جهانی به ایران وام می‌داد، به همان مقدار، آمریکا سهم پرداختهای خودش را به بانک جهانی کم می‌کرد.

دومین دور تحریم‌ها که مربوط به دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون و جرج بوش پسر بود از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ شروع شد. در اینجا می‌توان گفت که مهم‌ترین

تحریم‌ها، تصویب قانون داماتو بود. خلاصه این قانون این است که سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در طرح‌های نفت و گاز ایران ممنوع است. همان‌طور که می‌دانید ۴۰ میلیون دلار رقم بسیار کمی است؛ یعنی شاید هر فاز طرح‌های فعلی عسلویه بطور معمول بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار هزینه دارد. این قانون، طرح‌های خیلی کوچک را هم ممنوع می‌کند، یعنی تحریم کامل تجاری ایران از طرف آمریکا و ممنوعیت صادرات کالاهای آمریکایی از طریق مبادی غیر آمریکایی.

سومین دوره تحریم‌ها مربوط می‌شود به سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ میلادی که دوره ریاست جمهوری جرج بوش پسر را شامل می‌شود. در این دوره چند اتفاق افتاد که تحریم‌ها را کمی متفاوت کرد. اولین آنها این بود که حادثه ۱۱ سپتامبر در این دوره اتفاق افتاد. دو سال بعد از ۱۱ سپتامبر، ایران برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را به دنیا اعلام کرد بدین مضمون که می‌خواهد برنامه هسته‌ای خود را شروع کند و آژانس هم می‌تواند بر آن نظارت داشته باشد. آمریکا بعد از اعلان این خبر توسط ایران، تغییراتی در برنامه خود داد ولی برای اجرای تحریم علیه ایران با چند مشکل مواجه بود. اولین مشکل، در شورای امنیت بود، چرا که اکثر کشورهای اروپایی، تجارت قابل توجهی با ایران داشتند. آن موقع، آلمان شریک اول تجاری ایران بود، بعد ایتالیا و ... بنابراین آمریکا برنامه‌ای پیاده کرد که تجارت این کشورها با ایران کاهش پیدا کند. پس از آن، به شرکت‌هایی که با ایران کار می‌کردند فشار آورد و گفت که اگر با ایران همکاری خود را ادامه بدهند با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند. طرح دیگری که آمریکا دنبال می‌کرد، مصادره دارایی‌های خارجی ایران در خارج از کشور بود که این هم با محدودیت حقوقی مواجه شد که البته این کار را انجام دادند. بنابراین، در این دوره، تحریم‌ها شدت یافت. اهدافی که تحریم در این دوره داشت عبارت بود از: ممنوعیت دسترسی ایران به فناوری هسته‌ای، مسدود کردن دارایی‌های اشخاص و شرکت‌های مظنون به ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران،

تحریم بانک سپه و صادرات، بازرسی کشتی‌ها و هواپیماهای ایرانی، نظارت بر تحرکات افراد مظنون در برنامه هسته‌ای ایران.

از سال ۲۰۰۸ به بعد که دوره ریاست جمهوری اوباما است، ایران با چهار نوع تحریم همزمان مواجه شد. یکی تحریم یک‌جانبه از طرف آمریکا، تحریم سازمان ملل که باید همه کشورها آن را رعایت کنند، تحریم‌های یک‌جانبه اروپا و تحریم‌های ویژه برخی کشورها که بصورت انفرادی است مثلاً سوئیس یا کشور دیگری. نکته مهم در این دوره، اضافه شدن تحریم بانک مرکزی ایران است که اولین تحریم اروپا علیه ایران در حوزه تجارت خارجی است که خدمات مالی، فناوری‌های هسته‌ای، محدودیت مسافرت، تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت ایران را شامل می‌شود. پس از آن اهدافی که برای این تحریم‌ها در نظر گرفته‌اند عبارتست از:

- ایجاد نگرانی و نارضایتی،
- مشکلات مربوط به تحریم‌های مالی و ایجاد مانع برای دسترسی ایران به منابع مالی متعلق به خود،
- تحریم بانکی و تحریم سوئیس که نقل و انتقالات پیام‌های مخابراتی بین بانکها را دربر می‌گیرد،
- کاهش دسترسی به اسکناس‌های ارزی. مثلاً اگر شخصی بخواهد از حسابش که در ایران یا یک حساب خارجی که پول دارد، ارز یا اسکناس بگیرد، به دلیل اعمال تحریم قادر به انجام این کار نخواهد بود.
- ایجاد مانع برای مبادلات نقدی از طریق طلا و الماس، زیرا فکر می‌کردند که ممکن است ایران به سمت مبادلات تهاتری برود.
- فشار به کشورهای دیگر برای توقف تجارت با ایران
- ترساندن کشورهای دیگر بویژه کشورهای همسایه

تحریم‌هایی که تاکنون علیه ایران بوده است را به دو بخش تقسیم می‌کنم. یکی تحریم‌هایی که مشکلات مربوط به کمبود منابع مالی برای ایران بوجود نمی‌آورده و معمولاً این تحریم‌ها همزمان می‌شد با افزایش قیمت نفت. تا زمانی که خرید نفت در تحریم نبود، هر موقع نشانی از ناآرامی‌های بین‌المللی بود با افزایش تحریم، قیمت بین‌المللی نفت بالا می‌رفت یعنی درآمد ما هم افزایش پیدا می‌کرد. اما بعد از تحریم اروپا، سعی کردند که منابع مالی ما را هم تحت تأثیر قرار بدهند. بنابراین بعد از این تحریم، ما با مشکلات مربوط به فروش نفت مواجه شدیم.

با توجه به بحث‌های مقدماتی که صورت گرفت به نظر بنده، هدف اقتصاد مقاومتی این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که با توجه به شرایط تحریم مستمری که از طرف آمریکا و اخیراً هم توسط اروپا و برخی کشورهای دیگر شروع شده، بتوانیم اقتصاد خودمان را اداره کنیم. قاعدتاً برای اداره اقتصاد در این شرایط باید اصولی را داشته باشیم که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم.

۱. در نیازهای اساسی بتوانیم خوداتکا باشیم. خوداتکا بودن به معنای بسته بودن اقتصاد نیست بلکه ما نیاز داریم که حتماً برون‌نگر باشیم ولی قاعدتاً روابط اقتصاد خارجی را با جهت‌گیری‌های مورد نیاز اقتصاد باید تنظیم کنیم.
۲. در این شرایط امکان واکنش هوشمند، فعال و سریع داشته باشیم.
۳. مدیریت مصرف و بهره‌وری حداکثری را دنبال کنیم.
۴. کاهش حداکثری اتکای بودجه و تراز تجاری به درآمدهای نفتی که اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی است.
۵. امنیت اقتصادی را بوجود بیاوریم.
۶. با تورم مقابله کنیم.
۷. سلامت اقتصادی را رعایت کنیم.

ساختار درآمد های دولت (درصد سهم انواع درآمد (سال ۲۰۰۹))

کشور	از مالیات بر درآمد شرکت	از مالیات بر مصرف	از مالیات بر واردات	از کسورات	
				تأمین اجتماعی و کارمندان	متفرقه (مالکیت دولتی و ...)
چین	۲۶	۵۵	۵	-	۱۲
هند	۴۷	۲۳	۱۳	۰	۱۸
اندونزی	۳۷	۳۱	۲	-	۲۶
ایران	۱۹	۳	۶	۱۹	۵۲
اردن	۱۷	۳۸	۶	۰	۳۶
کره جنوبی	۲۸	۲۶	۴	۱۶	۱۷
مالزی	۴۶	۱۶	۲	-	۳۳
مکزیک (۲۰۰۰)	۳۴	۶۲	۴	۱۰	۱۰
عربستان سعودی	-	-	-	-	-
آفریقای جنوبی	۵۳	۳۲	۳	۲	۸
تایلند	۳۳	۴۰	۵	۶	۱۵
ترکیه	۲۴	۵۱	۱	-	۱۶
امارات (۲۰۰۰)	-	۱۷	-	-	۸۲
متوسط کشورهای با درآمد میانه به بالا	۲۲	۳۷	۴	۱۹	۱۴
متوسط کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا	۲۷	۳۱	۶	۶	۲۳
متوسط کشورهای جهان	۲۳	۳۲	۴	-	۱۷

مأخذ: World Development Indicators (2012)

ملاحظات: سهم بالای درآمد نفتی ایران در تأمین منابع دولت، در مواقع کاهش قیمت جهانی موجب بروز شوک های اقتصادی و مشکلاتی برای بنگاه های اقتصادی می گردد.

در ساختار درآمد دولت، ستون اول سهمی از درآمد دولت است که از مالیات بر درآمد تأمین می‌شود. ستون دوم آنچه از مالیات بر مصرف است. ستون سوم مالیات بر درآمد است. ستون چهارم کسورات تأمین اجتماعی است. ستون پنجم درآمدهای متفرقه است که عمدتاً مالکیت‌های دولتی را شامل می‌شود. ملاحظه می‌شود که مالیات بر درآمد در ایران حدود ۱۹٪ از درآمدها را تأمین می‌کند در حالی که متوسط این نرخ در خاور میانه حدود ۷٪ و متوسط جهانی ۲۳٪ است.

مالیات بر مصرف در ایران ۳٪ از درآمدهای دولت را تأمین می‌کند. متوسط جهانی ۳۲٪ و متوسط خاور میانه ۳۱٪ است که نشان می‌دهد مالیات بر مصرف در ایران کارایی ندارد. مالیات بر واردات در ایران ۶٪ درآمدهای دولت را تأمین می‌کند و این نرخ در خاور میانه ۶٪ و در جهان ۴٪ است. از کسورات تأمین اجتماعی هم ۱۹٪ درآمدهای دولت تأمین می‌شود که متوسط خاور میانه ۶٪ است. ستون آخر، درآمدهای متفرقه یا مالکیت‌های دولتی است که در ایران ۵۲٪ درآمدها حداقل از درآمدهای نفتی است در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر این وابستگی کمتر است.

بنابراین شرایط کشور ما بگونه‌ای است که با توجه به وابستگی شدید به درآمد نفتی، هرگونه اختلال در قیمت یا صادرات نفت می‌تواند در وضعیت درآمدهای دولت اثرگذار باشد و لذا اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی داشته باشیم باید اقتصادی داشته باشیم که نسبت وابستگی آن به نفت کاهش یابد. بقیه ابعاد هم باید بزرگتر باشد یعنی بصورت یک اقتصاد بسته عمل نکنیم مانند کوبا یا کره شمالی، اما باید در سیاست خارجی به تراز پرداختهای تجاری نیز توجه شود که بتواند آن را تنظیم کند. بی‌جهت روابط اقتصاد خارجی را تنظیم نکنیم یعنی اهداف اقتصادی و سیاسی باید همسو باشند.

یکی از مشکلات اقتصاد ایران در حال حاضر این است که شرکای اول تجاری ایران همان‌هایی هستند که برای ایران مشکل درست می‌کنند. بنابراین در طراحی‌های آینده می‌بایست بگونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که شرکای خارجی مناسب‌تری داشته باشیم.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر دانش جعفری که بحث مناسب و جامعی را ارائه دادند و تصویر بسیار خوبی از قلمرو اقتصاد مقاومتی ترسیم کردند. از حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی خواهش می‌کنم که مطالب خود را مطرح بفرمایند.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی*

من صحبت‌هایم را در دو محور ارائه می‌کنم. با توجه به صحبت‌های جناب آقای دکتر دانش جعفری و توضیحات ایشان در باره اینکه چرا اقتصاد مقاومتی در این مقطع از زمان مطرح شده است، باید یادآور شوم کسانی که دوران جنگ را تجربه کرده‌اند این مورد برایشان بخوبی ملموس و قابل درک است. ماههای اول جنگ بنا به دلایل مختلف، هجوم شدیدی بر سرزمین اسلامی ما صورت گرفت که ضربات خردکننده‌ای بر کشور وارد کرد. این ضربات به گونه‌ای بود که کمتر کسی احتمال می‌داد ایران بتواند از زیر بار آنها خود را نجات دهد. تنها همت جوانان این کشور بود که با اعتماد به رهبری انقلاب، با همه وجود وارد میدان شدند، در معرکه کارزار و جنگ آموختند، آموخته‌های خودشان را در همان صحنه بکار گرفتند و تجربیات خودشان را انباشته کردند. بعد از گذشت حدود یک سال از جنگ، صحنه جنگ به سود نیروهای انقلاب، به سود مجاهدان اسلام، کاملاً برگشت. نهایتاً پس از هشت

سال جنگ، ادبیات جدید جنگی را در دنیا تولید کردیم که اینک دارای این قابلیت است که در همه دانشگاه‌های جنگ دنیا مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. این موضوع چیزی نیست که جای اغراق داشته باشد. این ادبیات بخشی از تاریخ ماست و بخشی بسیار پرافتخاری است که می‌بایست به آن افتخار کنیم. نسل‌های بعدی نیز باید آمادگی این را داشته باشند که چنین برگ‌های زرینی از تاریخ را در زمینه‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی کشور تکرار کنند.

حوادث مختلفی که بر این انقلاب گذشته است. در هر مقطع و برهه‌ای از زمان، همواره با حملات گوناگون دشمن مواجه بوده‌ایم، گاهی حملات از نوع نظامی، گاه سیاسی و زمانی فرهنگی و اینک اقتصادی است. اما به این معنی نیست که در هر زمانی فقط روی یک محور کار می‌کردند، بلکه مثلاً در همان دوران که جنگ داشتیم مسائل اقتصادی هم وجود داشت بگونه‌ای که در زمان جنگ، نفت ایران را نمی‌خریدند. نفت را می‌بایست از جزیره خارک به جزیره سیری با کشتی حمل می‌کردیم و از آنجا به بنادر دنیا برای فروش می‌فرستادیم. یعنی در مقاطع مختلف، هم مسائل سیاسی، هم فرهنگی و هم نظامی داشتیم و البته در هر دوره‌ای یک بخشی از این مسائل پررنگ‌تر می‌شد.

امروز به هر دلیلی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که راه خرد کردن اراده این مردم، جنگ اقتصادی است. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، محور اصلی جهت‌دهی و سیاست‌گذاری کشور را بطور کلان، موضوعات اقتصادی قرار داده‌اند. این شاید مهم‌ترین دلیل باشد برای اینکه مقوله اقتصاد مقاومتی مطرح شده است. اما شاید مقام معظم رهبری چنین ملاحظه فرمودند که با رویه‌های معمول، برون‌رفت از این مسائل برای کشور براهتی میسر نخواهد بود به همین دلیل دیدگاه و رویکرد جدیدی را در مسائل اقتصادی کشور مطرح کردند و آن را اقتصاد مقاومتی نامیدند.

در مقاطع و کشورهای مختلف، چیزی شبیه آنچه در جامعه ما رخ می‌دهد به وقوع نپیوسته است، اقتصاد مقاومتی نه اقتصاد جنگی است و نه اقتصاد ریاضتی. البته اقتصاد مقاومتی ممکن است در شرایط جنگی هم رخ دهد یا در شرایطی ممکن است در چارچوب اقتصاد مقاومتی ناچار به اتخاذ سیاست‌های ریاضتی نیز بشویم. در پیشینه ادبیات اقتصاد مقاومتی، مطلب مشخصی وجود ندارد. یا حداقل تاکنون ما چیزی نیافته‌ایم. در بحث مبارزه منفی یا موارد مشابه آن که برخی از دوستان مطرح کردند نیز لزوماً بحث اقتصادی نبوده، بلکه سیاسی و مبارزات سیاسی بوده که البته چه بسا در کنار آن، بحث‌های اقتصادی هم مطرح بوده است. بنابراین به نظر می‌آید که به عنوان یکی از وظایف و جهت‌گیری‌هایی که می‌بایست در صحنه سیاسی کشور و نیز دنیا در باره اقتصاد مقاومتی و مقولاتی از این قبیل باید به آن توجه داشت، بحث مفهوم‌سازی است. یعنی آنچه می‌فهمیم، اندیشه‌هایی که درک می‌کنیم و به ضرورت‌هایی که می‌رسیم، آنها را در قالب مفاهیمی نو و تعریف شده، ارائه دهیم تا این مفاهیم افکار اندیشمندان جهان را به سمت خود هدایت نمایند. این سیاستی است که مقام معظم رهبری اعمال می‌کنند. یعنی در مقولات مختلفی که احساس می‌کنند جامعه را باید به سمت آن هدایت نمایند، همواره مفهوم‌سازی می‌کنند و هدف از مفهوم‌سازی این است که ادبیات جدیدی را در جامعه ایجاد کنند و این ادبیات برای تحولات اجتماعی کشور و تأثیرگذاری در صحنه جهانی عقبه فکری باشد. مانند مفاهیمی همچون مردم‌سالاری دینی، تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، مهندسی فرهنگی و

بنابراین با این نگاه می‌توان گفت که مقوله اقتصاد مقاومتی یک موضوع نو و بی‌سابقه است که نیاز به کنکاش فراوان دارد و چه جایی بهتر از دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی کشور که بتوانند روی این موضوع مطالعات بیشتری انجام دهند و دانش بیشتری تولید کنند. طبیعتاً شناخت این مفهوم، درک مبانی نظری آن و دقت

در ابعاد مختلف آن و در نهایت ارائه راهکارهایی که می‌تواند سمت و سوی جامعه را به سمت اهداف از پیش تعیین شده مشخص کند، تلاش فراوان می‌خواهد. بنابراین می‌توان هدف از اقتصاد مقاومتی را در یک جمله به این صورت بیان کرد که «هدف اقتصاد مقاومتی، غلبه کردن بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی همه نیروهای متخاصمی است که سد راه پیشرفت جامعه هستند». بنابراین، ما نیاز داریم در درجه اول، نوعی مفهوم‌شناسی در ارتباط با اقتصاد مقاومتی ارائه دهیم که البته این مفهوم‌شناسی باید به تدریج تکمیل شود و موضوعات دیگری نیز به آن افزوده شود تا یک برداشت مناسب‌تر و صحیح‌تر از مقوله اقتصاد مقاومتی به وجود آید. طبیعتاً آنچه ارائه خواهد شد، برداشت‌هایی است که اشخاص دارند و لذا ادبیات علمی برای آن تولید نشده است و صرفاً برداشت‌های ما است که می‌تواند تدریجاً یک انتظام علمی پیدا کند و ادبیات علمی خاصی را در صحنه اقتصادی ایجاد کند. در جهت مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، به نظرم باید به چند مطلب اشاره کنم.

الف- همچنان که اقتصاد اسلامی یک رویکرد بنیادین در اقتصاد است، اقتصاد مقاومتی نیز رویکردی راهبردی در حرکتِ رو به جلوی اقتصاد کشور خواهد بود. بنابراین در همان بستر ادبیات اقتصاد اسلامی است که ما می‌توانیم اقتصاد مقاومتی را متناسب با جامعه اسلامی خودمان بازتعریف کنیم. همچنان که نظام سرمایه‌داری با معیارهای مورد نظر اقتصاد اسلامی مغایر است، بر همین اساس نیز اقتصاد مقاومتی با هیچ یک از مدل‌ها و الگوهای اقتصاد سرمایه‌داری همخوانی ندارد و نخواهد داشت. براساس چنین رویکرد مبنایی، آنچه در اقتصاد مقاومتی باید رخ دهد این نخواهد بود که برای نمونه، در چارچوب فرایندی به نام خصوصی‌سازی، دولت جای خود را به بخش خصوصی بدهد و بخش خصوصی نیز بدون راهنمایی و نظارت، تنها به دنبال حداکثر و انباشت سود خود باشد. این چیزی است که اقتصاد سرمایه‌داری در مقابل ما قرار می‌دهد. در اقتصاد مقاومتی ما با چنین مفهومی روبرو نیستیم.

ب- اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کلان و بلندمدت به اقتصاد کشور براساس آموزه‌های اسلامی و واقعیات داخلی و بین‌المللی است. یعنی از یک سمت، باید به داشته‌های اسلامی خودمان بیندیشیم و آنها را محور قرار دهیم و از طرف دیگر، بایستی آنچه در پیرامون ما رخ می‌دهد، شرایط خود و جهان را مورد بررسی قرار دهیم و در تعامل با آنها به الگویی برسیم که آن الگو بتواند برون‌رفت جامعه ما را از مشکلات اقتصادی در پی داشته باشد. بر همین اساس، اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و یا یک اقدام صرفاً پدافندی نیست، بلکه رویکردی بلندمدت، ایجابی و تهاجمی است که چشم‌اندازی کلان به اقتصاد کشور دارد. در واقع، این رویکرد با دوراندیشی، در پی مدلی از اقتصاد است که هم مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد و هم در آینده نزدیک، ایران را در جایگاه اول اقتصاد منطقه قرار دهد. اقتصادی که برای جهان اسلام، الهام‌بخش و کارا باشد و تشکیل تمدن بزرگ اسلامی را زمینه‌سازی نماید. از این رو، باید به این نکته مهم توجه داشت که یکی از مؤلفه‌های مهم تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مؤلفه مقاومت و ایستادگی همه‌جانبه خواهد بود که بدون چنین پشتوانه‌ای، تحقق این الگو غیرممکن خواهد بود.

ج- منظور از اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، زیرا واژه مقاومت معمولاً در مواردی بکار می‌رود که هدف فعالیت‌ها، برطرف کردن موانع و کوشش و تلاش مضاعف در مسیر حرکت و پیشرفت است.

د- اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌کند. لذا عبارت است از اقتصادی که حوزه‌های فشار و تهدید را تشخیص می‌دهد و برای کنترل و بی‌اثر کردن آنها تلاش می‌کند. در واقع، اقتصاد مقاومتی از طریق تعمیق

باورهای عموم مردم، این فشارها و تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند، مشارکت همگانی مردم را جلب کرده و مدیریت‌های مدبرانه و مقتدرانه را اعمال می‌کند.

ه- اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد مردمی. به این مفهوم که به مردم بها بدهیم، مردم را در مسائل و مشکلات محرم بدانیم و از آنها کمک بخواهیم و آنان را در جهت تحقق اهداف اقتصادی بسیج کنیم، دقیقاً شبیه الگویی که در زمان جنگ در صحنه نبرد نظامی داشتیم. توده‌های مردم در آن موقع، مشکلات کشور را جدای از مشکلات خود نمی‌دیدند و برای حفظ و نگهداری کشور از هستی خود هم می‌گذشتند. اما امروز وقتی نرخ ارز اندکی تغییر می‌کند، عده‌ای برای اینکه منافع کوتاه‌مدت خود را تأمین کنند از این تغییرات به سود خود بهره می‌برند، بدون توجه به اینکه چه اتفاقاتی برای منافع ملی کل کشور خواهد افتاد. پس هر چه مشارکت مردمی در صحنه اقتصادی بیشتر باشد، موفقیت الگویی به نام اقتصاد مقاومتی ضمانت بیشتری خواهد داشت.

و- اقتصاد مقاومتی از نظر ماهیت، اقتصادی مردمی است بدین معنی که بار اصلی آن بر دوش توده‌های مردم قرار دارد و مردم بزرگترین و اصلی‌ترین گرداننده آن هستند زیرا هیچ مقاومتی بدون حضور مؤثر مردم امکانپذیر نخواهد بود. ضروری است که مردم بطور جدی و سازمان یافته و هدفمند، وارد این عرصه شوند تا از ورود افراد سودجو، فرصت‌طلب و رانت‌خوار به صحنه اقتصاد کشور جلوگیری شود. اگر فضا برای حضور نیروهای جوان، مؤمن و خلاق در عرصه اقتصادی کشور فراهم شود، همچنانکه در عرصه‌های مختلف کشور در گذشته و حال چنین اتفاق موفقیت‌آمیزی بارها مورد تجربه قرار گرفته است، در عرصه اقتصادی کشور نیز قطعاً، همچون دیگر عرصه‌ها، شاهد تحولات مثبت و شگرفی خواهیم بود. این محوری است که به شدت نیاز به بررسی و مطالعه دارد. در بخش راهکارهایی که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نشست آینده ان شاء الله... بحث خواهد شد، حتماً

یکی از بحث‌ها باید این باشد که چگونه می‌توان اقتصاد مردمی را در جامعه محقق کرد و راهکارها و سازوکارهای آن چیست؟ این محوری است که به نظر من می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

ز- اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است مبتنی بر تلاش برای کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای رسیدن به خوداتکایی.

ک- اقتصاد مقاومتی باید در پی مقاوم‌سازی و ترمیم ساختارها و نهادهای ناکارآمد موجود اقتصادی کشور باشد. برای نمونه، بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی که قادر به پیش‌بینی و چاره‌سازی برای مشکلات ارزی که در ماه‌های اخیر برای کشور بوجود آمد، نبودند چگونه می‌توانند بار چنین اقتصادی را به دوش بکشند؟ در رویکرد اقتصاد مقاومتی باید در پی بازتعریف ساختارها و سیاست‌های نهادهای موجود کشور بود تا این نهادها بتوانند در حد و متناسب با شرایط نوین اقتصادی کشور و اهداف کلان و راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران ظاهر شوند. اگر بانک مرکزی ما قادر نیست خود را با مشکلات کشور پیش ببرد و از مسائل و اتفاقاتی که می‌افتد عقب است، باید ریشه‌هایش را پیدا کرد که چرا چنین اتفاقاتی می‌افتد و چگونه می‌شود آن را برطرف کرد. اینها همان رخنه‌ها و روزنه‌هایی است که دشمن پیدا کرده و از همین طریق به ما ضربه می‌زند.

ل- اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد تولیدمحور، مقتصدانه و به دور از اسراف و تبذیر.

دکتر مسعود درخشان

از مطالب ارزنده و بسیار ارزشمند جناب آقای دکتر عیسوی سپاسگزاری می‌کنم. بنده هم چند نکته به اختصار عرض می‌کنم.

اولین نکته این است که اقتصاد مقاومتی را اگر از دیدگاه کوتاه مدت تحلیل کنیم، به نظر می آید چیزی جز همان مقاوم سازی اقتصاد در برابر سیاستهای خصمانه ای که هم اکنون به صورت تحریم ها و ایجاد تنگناهای اقتصادی ظاهر شده، نیست. اما اگر با نگاه بلندمدت، اقتصاد مقاومتی را بررسی کنیم، آنگاه شاید بتوان گفت که می خواهیم به ظرفیتهای جدیدی برای کسب قدرت بیشتر برای مقابله با این تنگناها و تحریم ها به منظور جلوگیری از تهدیدات اقتصادی آینده و یا کسب آمادگی کافی برای عکس العمل فوری و کارا نسبت به تهدیدهای محتمل در آینده، برسیم.

دومین نکته این است که اگر به لحاظ تاریخی به مسئله نگاه کنیم ملاحظه می شود که بعد از انقلاب اسلامی، نظام سیاسی کشور به شدت تحت فشار و تنگناهای مختلف قرار گرفت. در حقیقت ما نخست، تحریم نظام سیاسی را شاهد بودیم که تاکنون هم ادامه دارد. اما نکته جالب این است که این فشارهایی که متوجه نظام سیاسی ما بود، موجب تقویت نظام سیاسی شد و در دوران دفاع مقدس موجب تقویت قدرت نظامی ما شد بطوری که به لحاظ نظامی، جمهوری اسلامی ایران هم اکنون به جایی رسیده است که هیچ کشوری از همسایگان ما در منطقه حتی تصور تعرض نظامی به ایران را نمی توانند داشته باشند و این همه در پرتو همان نظام سیاسی مقاومتی حاصل شده است.

اما اگر کمی دقت کنیم، متوجه می شویم که ما از نظام اقتصادی غافل بودیم. بهر حال سیاستهای خصمانه کشورهای سلطه گر که در رأس آنها سیاستهای آمریکاست که همیشه بوده و هست، اکنون در راستای تحریم اقتصادی شکل گرفته است که می خواهند نظام سیاسی را تضعیف کنند و چون ما از فضای اقتصاد غافل بودیم، زمینه بسیار مساعدی برای اعمال سیاستهای آنها فراهم شده است.

به همین دلیل فکر می‌کنم در تحلیل مقوله اقتصاد مقاومتی می‌بایستی به لحاظ نظری به دقت به روابط متقابل نظام سیاسی و نظام اقتصادی و تعاملات و ارتباطات این دو توجه کنیم چون می‌دانیم که در هر نظامی سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ نقش‌آفرینان اصلی هستند و این سه حوزه در یک ارتباط متقابل قرار دارند که به دقت باید کیفیت این ارتباطات تجزیه و تحلیل شود. مسئله‌ای که بنده برای سه دهه یعنی از میان سالهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بارها در کلاسهای درس، همایش‌ها، نشست‌ها و مصاحبه‌ها عنوان کرده‌ام، این است که ما نمی‌توانیم در بعد سیاسی یک حکومت اسلامی داشته باشیم اما در بعد اقتصادی با یک نظام اقتصاد شرکتی از نوع آمریکا و نهادهای اقتصادی متناسب با آن و سازوکارهای اقتصادی که لازمه آن است کار کنیم. این دو مقوله، اساساً و به شکل بنیادین با هم ناسازگارند. این نکته را من حدود سی سال پیش در مباحثی که در حوزه علمیه داشتم تحت عنوان «اصالت وحی و تقلید از کینز» مطرح می‌کردم. سخن این بود که نمی‌شود در بعد اعتقادات و التزامات قلبی معتقد به وحی باشیم و در حوزه سیاستها و تنظیمات امور اقتصادی، از کینز و تعالیم کینز و دستورالعمل‌های اقتصاد کینزی در حالت کلی اقتصاد شرکتی سرمایه‌داری پیروی کنیم. دلیل اینکه این دو با هم سازگاری ندارند این است که اگر روابط متقابل یک نظام اقتصادی را با یک نظام سیاسی تحلیل کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این دو باید همخوان و سازگار با هم باشند، باید مؤید و مقوم یکدیگر باشند، باید در راستای هم جلو بروند و هر دو در بستر نظام فرهنگی واحدی شکل بگیرند و آن نظام فرهنگی باید این دو را تغذیه کند و محرکها و انگیزه‌های لازم را ایجاد نماید ضمن آنکه نظامهای سیاسی و اقتصادی ضرورتاً می‌بایستی زمینه‌ساز تسهیل جریان فرهنگ باشند. متأسفانه این نکته‌ای بود که بعد از انقلاب اسلامی تقریباً در بین سیاستگذاران و دولتمردان ما مغفول ماند و توجه صرفاً بر تحکیم نظام سیاسی و افزایش قدرت نظامی کشور متمرکز شد و

ایجاد و فضای اقتصادی متناسب با نظام سیاسی و فرهنگ اسلامی به سدت فراموشی سپرده شد و به دنبال نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و کپی‌برداری از الگوهای اقتصادی متعارف در کشورهای سرمایه‌داری رفتند.

بدین ترتیب، شرایط مناسبی برای نظام استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا به وجود آمد که با برنامه‌ریزی دقیق تخریبی در حوزه مسائل اقتصادی وارد شوند. زیرا که فضای اقتصادی ما هماهنگی خودش را با نظام سیاسی کشور کاملاً از دست داده است و جالب این است که اکنون ما در این فضا دنبال راهکار می‌گردیم. اقتصاد مقاومتی برای مواجهه با چنین مسائلی مطرح شده است. از این دیدگاه که بنگریم، باید مفهوم‌سازی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاریها و راهکارهایش، نظام‌سازیها، الگوسازیها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را در حول این محور که اقتصاد مقاومتی می‌بایستی مقوم نظام سیاسی باشد، هدایت کنیم.

با توجه به اینکه نظام سیاسی ما در بستر مبارزه با نظام استکبار جهانی توسعه یافته است و جنگ تحمیلی نمونه بارزی از این مبارزه است، لذا درگیری دائمی سیاسی و اقتصادی با آمریکا و بطور کلی با نظام سرمایه‌داری داریم که اکنون به صورت سرمایه‌داری جهانی درآمده است. از این رو اقتصاد مقاومتی طبعاً می‌بایست پدیده‌ای باشد که در بستر مبارزه دائمی علیه نظام سلطه اقتصادی تعریف، الگوسازی و سیاست‌گذاری شود و توسعه یابد. اقتصاد مقاومتی، به هیچ وجه یک حرکت موقتی نیست، چرا که اگر قبول کنیم تفکر اسلامی در یک مبارزه دائمی با تفکر غیراسلامی است، نظام اسلامی به لحاظ سیاسی با آنچه دلالت حکومت‌های سلطه‌گر دنیا است مبنائاً ناسازگار است. منطقاً از همان بدو انقلاب اسلامی می‌بایستی اقتصاد مقاومتی را مطرح می‌کردیم. ما در این جریان، یک تأخیر ۳۰ ساله داریم. اگر اقتصاد مقاومتی و مفاهیمش را در همان سالهای نخستین انقلاب اسلامی مطرح کرده بودیم در آن صورت بعد از خاتمه جنگ تحمیلی، اولین اقدام برخی دولتمردان و

مدیران ارشد، به این بهانه که مردم خسته شده‌اند، راه‌اندازی نمایشگاه گل و گیاه یا سردادن شعارهای یک اقتصاد گل و بلبل‌ی نبود. این اساساً با نظام سیاسی ما سازگاری ندارد.

بنابراین باز به ضرورت هماهنگی دو نظام اقتصادی و سیاسی در بستر نظام فرهنگ اسلامی برمی‌گردیم که اقتصاد مقاومتی باید در چنین فضایی شکل بگیرد. از این رو، اقتصاد مقاومتی ضرورتاً مبتنی بر برنامه‌های راهبردی است، حتماً باید استراتژیک اندیشید چرا که در فضای مبارزه هستیم و این مبارزه دائمی است پس باید آینده‌نگری داشته باشیم. دو ویژگی راهبردی و آینده‌نگری از مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی است. از این دیدگاه، اقتصاد مقاومتی نقطه اثر و کانون منظومه‌ای از رویکردهای اقتصادی می‌شود که عمدتاً توسط مقام معظم رهبری در چند سال اخیر مطرح شده است و آقایان دکتر قوامی و دکتر میرمعزی به زیبایی به این مسئله اشاره کردند. از این دیدگاه می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی لازم و ملزوم همان رویکرد جهاد اقتصادی است. تفکر اقتصاد مقاومتی، تفکر جهادی می‌خواهد. با رویکرد برخی مدیران اقتصادی کشور که نیم‌نگاهی به نتایج مثبت مذاکرات هسته‌ای کشور در آینده دارند و امیدوارند این تحریمها به زودی لغو شود تا مسائل و مشکلات اقتصادی کشور نیز حل شود، اساساً سازگاری ندارد. اگر مسائل ما با آمریکا که چنین مواضع خصمانه‌ای علیه ما اتخاذ کرده بخواهد حل شود، مسلم بدانید که برخی معیارهای ارزشی و اسلامی نادیده گرفته شده است. این یک مبارزه دائمی است و تا جایی پیش می‌رود که نظامهای سلطه‌گر حقیقتاً ایدئولوژیهای الهی را و در رأس به ارزشها و نظام اسلامی احترام بگذارند، در غیر اینصورت، این جریان ادامه خواهد داشت. از این رو، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، همه یک منظومه‌ای را

تشکیل داده است که نقطه اثر و کانونش هم‌اکنون به صورت اقتصاد مقاومتی ظاهر شده است.

به نظر بنده، برخی مختصات و ویژگیهای اقتصاد مقاومتی در عمل را می‌توان با تحلیل ماهیت و سازوکار تحریم‌ها معلوم کرد. باید این مسئله را در نظر بگیریم که دشمنان نظام اسلامی با چه حربه‌ای و به چه نحوی حمله اقتصادی می‌کنند تا بتوانیم مختصات اقتصاد مقاومتی را در مقابله با این حملات تعریف کنیم. نقاط ضعف اقتصاد ملی به ویژه نقاط ضعف ساختاری اقتصاد ملی مانند وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی، وجود کلان‌شهرهای بزرگی همچون تهران که مانند بمب ساعت‌شمار کار می‌کند و فرهنگ مصرف‌زدگی، همه و همه بسترهای مناسبی را برای تسهیل این تهاجمات اقتصادی علیه ما فراهم می‌کند. از سوی دیگر، نقاط قوت خود را هم باید به دقت بسنجیم تا معلوم شود تکیه‌گاههای اقتصاد مقاومتی چیست و سپس براساس این تحلیلها، مجموعه‌ای از سیاستهای کارآمد را بتوانیم تعریف کنیم. مسئله بعد، سیاستهای اقتصادی دولت است، هم در بعد اقتصاد ملی، هم در روابط منطقه‌ای و هم در تعاملات جهانی. نتایجی که از سیاستهای دولتی بدست می‌آید بر ساختار اقتصاد ملی و بر رابطه اقتصاد ملی با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارد که این امر نیز به نوبه خود مختصات اقتصاد مقاومتی را تعیین می‌کند. شناسایی نیروهای حفظ تعادل در نظام اقتصاد ملی نیز از عوامل کلیدی در طرح‌ریزی اقتصاد مقاومتی است. وقتی که همه این عوامل را همزمان بسنجیم، می‌توانیم ویژگیهای اقتصاد مقاومتی را به لحاظ نظری تعریف کنیم تا در مرحله بعد بتوانیم وارد حوزه سیاستگذاری شویم.

مسئله بسیار مهم دیگری که باید در تحلیل نظری اقتصاد مقاومتی در نظر داشت مقوله انگیزه‌ها و محرکهاست. نظام انگیزه‌ها بسیار مهم است. گاهی این پرسش مطرح می‌شود که آستانه مقاومت ملی در اقتصاد مقاومتی کجاست؟ در سالهای

نخستین انقلاب اسلامی و به ویژه بعد از شروع جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، چه فداکاریها که انجام نشد. پرسشی که هم‌اکنون مطرح می‌شود این است که آستانه مقاومت ملی در اقتصاد مقاومتی را چگونه می‌توان تعیین کرد. به عبارت دیگر، اگر جنگ تحمیلی عامل وحدت، یکپارچگی، اتفاق و توان‌فزایی برای مقابله با استکبار جهانی بود، آیا تحریمها و ایجاد تنگناهای اقتصادی باعث تفرقه نمی‌شود؟ در اینجا بحث انگیزه‌ها و محرکها مطرح می‌شود که نقش کلیدی در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. به نظر من، بستر شکل‌گیری نظام انگیزه‌ها در اقتصاد مقاومتی، فضای عدالت اجتماعی و اقتصادی است. به همین دلیل است که باید توجه زیادی به مقوله عدالت شود، اما نه توجهی که صرفاً محدود به رویکردهای فلسفی باشد بلکه ثمره و مصادیقش را مردم می‌بایستی احساس کنند. هر چه تبلور و ظهور این عدالت را مردم بیشتر ببینند، آستانه مقاومت بالاتر می‌رود. اگر هم نبینند، آستانه مقاومت پایین می‌آید. مردم کشور ما، آماده همه نوع فداکاری‌ها هستند به شرط آنکه حوزه اقتصاد، عدالت اقتصادی و اجتماعی را به وضوح رؤیت کنند. این عدالت اقتصادی و اجتماعی در همه حوزه‌ها اعم از خانوارها، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، شبکه بانکی، سیاستهای پولی و مالی، بازار پول، بازار سرمایه و نظایر آن باید ظهور کند و مردم آن را حقیقتاً احساس کنند و ببینند. اگر انگیزه‌ها در بستر عدالت اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد، موتور و نیروی محرکه اقتصاد مقاومتی کجاست؟ به نظر من، موتور محرکه اقتصاد مقاومتی ارزشها، آموزه‌ها و رویکردهای اسلامی است که حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای دکتر میرمعزی به درستی به آن کردند.

سؤال کلیدی این است که مدیریت اجرایی الگوی اقتصاد مقاومتی با کیست؟ از نظر من، نقش اصلی را دولت باید ایفا کند. شروع کار بایستی مدیریت انگیزه‌ها باشد. مدیریت نظام انگیزه‌ها باید در راستای استمرار، تحکیم و تعمیق اقتصاد مقاومتی باشد. این انگیزه‌ها در همه حوزه‌های اقتصادی از بانک و بیمه و

سرمایه‌گذاری گرفته تا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان مطرح است. از این دیدگاه، الگوهای نظری اقتصاد مقاومتی اساساً نمی‌تواند متخذ از اقتصاد سرمایه‌داری باشد که مبتنی بر تکاثر سرمایه و رشد بیشتر برای تکاثر بیشتر است. در تمامی این حوزه‌ها، نخست باید از قلمرو دولت و سیاستهای دولتی آغاز کنیم به نحوی که این سیاستها به سمتی باشد که بخش خصوصی ملهم از رفتار دولت باشد. فکر نمی‌کنم در مقوله اقتصاد مقاومتی، بتوانیم به جایی برسیم که رفتار اقتصادی توده‌های مردم همانند رفتارشان در جنگ تحمیلی و سالهای نخستین انقلاب اسلامی باشد. به عبارت دیگر، آنچنان که جوانها، دسته دسته برای شهادت می‌جنگیدند، بعید می‌دانم بتوانیم به لحاظ نظری، الگویی را تعریف کنیم که تولیدکنندگان ما دسته دسته برای خاطر خدا و نه سود تولید کنند و خانوارها هم در حالت کلی، دسته دسته به خاطر حفظ دین و نظام ارزشی خود و نه تمتع از مادیات، الگوی مصرف خود را تغییر دهند و شبکه‌های بانکی و مالی نیز به همین نحو. به نظر می‌رسد آنچه باید وقوع آن را انتظار داشته باشیم این است که سیاستهای صحیح دولتی بتواند رفتار بخش خصوصی را تحت تأثیر خود قرار بدهد و ضوابط و مقررات بتواند رفتار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و نهادهای پولی و مالی کشور را به نحو صحیح هدایت و مدیریت کند. برای نمونه، هر روز شاهد هستیم که چگونه افراد در اتوبان‌ها رانندگی کنند، سبقت غیرمجاز می‌گیرند، گاهی به یکدیگر اهانت می‌کنند و نظایر آن. اما هر طور که رانندگی بکنند، بالاخره به جایی می‌رسند که مسیر اتوبان تعیین کرده است. به عبارت دیگر، مهندسی ترافیک، این اتوبان را چنان ساخته که مثلاً از نقطه الف به نقطه ب می‌رسد. مهم نیست که رانندگان چطور رانندگی می‌کنند، مهم این است که آن جاده چطور ساخته شده است و رانندگان را به مقصد طراحی شده هدایت می‌کند. دولت باید همین نقش مسیر و سمت و سو و جهت اتوبان را ایفا کند. در اقتصاد مقاومتی انگیزه سود در سازوکار تولید نمی‌تواند از بین

برود. وقتی که می‌گوییم اقتصاد اسلامی، اقتصاد شرکتی آمریکایی نیست، منظور این نیست که مردم برای سود تولید نکنند یا مردم برای بهره‌مندی از مادیات مصرف نکنند. در اقتصاد مقاومتی و در اقتصاد اسلامی، اصل حداکثر کردن سود آنچنان که در اقتصاد شرکتی سرمایه‌داری مبنای نظام است، نمی‌تواند مبنای تنظیم امور اقتصادی باشد. جاده اقتصادی را دولت اسلامی بر مبنای تکاثر سرمایه و معیار حداکثرسازی سود نمی‌سازد اما افراد می‌توانند در درون این اتوبان به هر نحوی که می‌خواهند حرکت کنند البته مادامی که از ضوابط و ارزشهای اسلامی تخطی نکنند. البته فراموش نکنیم که تخطی نکردن از ضوابط و ارزشهای اسلامی مطلقاً به معنای اسلامی شدن نظام نیست. چه بسا رفتار اجزاء یک نظام می‌تواند هر یک منطبق بر معیارها و موازین اسلامی باشد اما وحدت ترکیبی این اجزاء که همان خصلت کلی نظام است اسلامی نباشد.

از این رو، به لحاظ نظری تحلیل اقتصاد مقاومتی بسیار مشکل‌تر از تحلیل اقتصاد متعارف است بویژه آنکه این اقتصاد مقاومتی را باید در فضای اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر فعلی بسازیم که این امر را مشکل‌تر می‌کند. البته در سالهای نخستین انقلاب اسلامی هم مشکل بود زیرا که وابسته به نفت بودیم اما الان کار به مراتب مشکل‌تر شده است. به عبارت دیگر، مقوله تأسیس اقتصاد مقاومتی مثل این است که بخواهند بجای ساختمانی که قدمت ۵۰ ساله دارد، یک برج ۲۰ طبقه بسیار محکم و مقاوم در برابر زلزله بسازند اما بدون آنکه اجازه داشته باشند این ساختمان قدیمی را کاملاً تخریب کنند. اقتصاد کشور را نمی‌توانیم کاملاً تخریب کنیم، نمی‌توان گفت که ابتدا همه چیز را خراب کنیم و بعد یک اقتصاد مقاومتی مبتنی بر ارزشها و آموزه‌های اسلامی بسازیم. به همین دلیل به لحاظ نظری طراحی اقتصاد مقاومتی بسیار مشکل است. در مهندسی ساختمان، نمی‌توان از یک مهندس خواست که بدون تخریب یک ساختمان قدیمی، یک برج ۲۰ طبقه مقاوم بسازد اما در اقتصاد ما

باید بتوانیم این کار را انجام دهیم. از کجا شروع کنیم؟ کدام دیوار اقتصادی را خراب کنیم و قبل از خراب کردن آن، کدام ستون را در کجا بسازیم؟ نمی‌توانیم به اقتصاد ملی هجوم ببریم و همه چیز را تخریب کنیم زیرا که در آن صورت همه با هم فرو می‌ریزد و از اقتصاد و نظام چیزی باقی نمی‌ماند. پس باید به دقت، الگوی تخریب و الگوی سازندگی را محاسبه کنیم که البته کار بسیار مشکل و پیچیده‌ای است.

خلاصه آنکه اقتصاد مقاومتی در بستر مبارزه با تحریم‌ها و تعرضات اقتصادی که هم‌اکنون عمدتاً از ناحیه آمریکا صادر می‌شود، شکل می‌گیرد و آثار و پیامدهای آن تابعی از ویژگیهای اقتصاد ملی به لحاظ نقاط ضعف و قوت ساختاری آن است. همچنین سیاستهای دولتی در مدیریت نظام اقتصاد ملی و درجه تناسب این سیاستها با کمیت و کیفیت و جهت تعرض و تحریم‌های اقتصادی از عوامل مؤثر در طراحی اقتصاد مقاومتی است. پویایی اقتصاد مقاومتی تابعی از کیفیت روابط متقابل سه نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، بدین معنا که می‌بایستی مبتنی بر فرهنگ جهاد اقتصادی و متکی بر ارزشها و آموزه‌های اسلامی باشد ضمن آنکه ضروری است که مقوم نظام سیاسی نیز باشد و لذا سیاستهای اقتصادی در سطح کلان می‌بایستی با توجه به این ملاحظات و با رویکرد راهبردی و آینده‌نگری شکل بگیرد. با توجه به ضیق وقت، متأسفانه نمی‌توانیم از نظرات اعضای محترم نشست در دور دوم استفاده کنیم و لذا از حضار محترم تقاضا می‌کنم سؤالات خود را مطرح کنند.

پرسشها

دکتر درخشان

پرسشهایی که حضار محترم مطرح کردند به شرح ذیل جمع‌بندی می‌شود:

۱. چرا به جای اقتصاد مقاومتی، بر مسئله فرهنگ و اصلاحات فرهنگی تمرکز

نمی‌شود؟

۲. چرا این روزها از برنامه‌های ۵ ساله و سند چشم‌انداز صحبت زیادی نیست

و همه توجهات صرفاً به اقتصاد مقاومتی معطوف شده است؟

۳. چرا از نظریات و سیاستهای اقتصاد توسعه در مقوله اقتصاد مقاومتی استفاده

نمی‌کنید؟

۴. چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را در کشور بالا برد و نقش نهادهای

حقوقی، مدنی، سیاسی و اجتماعی در اقتصاد مقاومتی چیست؟

علاوه بر چهار پرسش کلیدی فوق‌الذکر، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح شد که

اعضای محترم نشست لطفاً به آنها نیز پردازند.

دکتر دانش جعفری

در مورد اینکه چه رابطه‌ای بین اقتصاد مقاومتی و برنامه ۵ ساله و سند چشم‌انداز

وجود دارد، به نظر من همانطور که در مستندات برنامه ۵ ساله و سند چشم‌انداز بیان

شده، حرکتی را شروع کرده بودیم و اهدافی هم برای این حرکت در برنامه‌های ۵

ساله و سند چشم‌انداز تدوین شده بود و این امر در زمانی اتفاق افتاده بود که

درآمدهای ما تحت تأثیر تحریم‌ها قرار نگرفته بود. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزیهای

اقتصادی ما، تحت تأثیر تحریم‌ها قرار نمی‌گرفت. اما اکنون که تحریمها در سطح

گسترده‌ای مطرح شده است، نیازمند این هستیم که یک بازنگری در اهداف برنامه و

همچنین رویکردهایی که در برنامه چشم‌انداز داشتیم، انجام دهیم اما در نهایت باید

به همان هدفها برسیم. در واقع، نباید برنامه‌های اقتصادی خود را بخاطر تاکتیک‌هایی

که دشمن اتخاذ کرده تعطیل کنیم، بلکه صرفاً رویکردها و راهبردهایی که اتخاذ می‌کنیم باید متفاوت باشد.

فکر می‌کنید در شرایط فعلی، جنگ لفظی بین چین و آمریکا در مورد نرخ برابری ارز بر سر چیست؟ آمریکا می‌گوید که از نظر او، یک دلار باید در حد دو یوان باشد اما چینی‌ها می‌گویند که یک دلار را معادل ۶ یوان می‌دانند. به عبارت دیگر، آمریکا می‌خواهد کاری بکند که پول ملی چین گرانتر شود، قضیه‌ای که اکنون در ایران عکس آن اتفاق افتاده است. در حقیقت آمریکا می‌خواهد با گران کردن ارزش پول چین، قدرت صادرات ارزان چین به کشورهای دیگر را از بین ببرد. همین مسئله در ارتباط با رویدادهای اخیر ارزی در ایران مطرح می‌شود. اگر بتوانیم از ظرفیتی که بوجود آمده در جهت افزایش صادرات استفاده کنیم، می‌توانیم این تهدید را تبدیل به فرصت کنیم. یعنی عکس آن چیزی که اکنون بین چین و آمریکا روی داده است. در مورد ژاپن هم چند سال پیش همین اتفاق افتاد. زمانی بود که شاید یک دلار آمریکا در حد ۳۰۰ ین هم معامله می‌شد. اما الان به حدود ۷۰ ین رسیده یعنی پول ژاپن آنقدر گران شد که صادرات ژاپن را تحت تأثیر قرار داد.

در مورد نفت ما هم، ممکن است که به کمک تحریم‌ها بتوانند بخشی از صادرات نفتی ما را متوقف کنند یا موانعی بوجود آورند ولی نکته مهم این است که با رشد صنعتی در اقتصاد ملی طبعاً در شرایطی خواهیم بود که خودمان کمبود نفت هم خواهیم داشت. مثلاً اندونزی کشوری بود که از اولین بنیانگذاران اوپک بود و جزء صادرکنندگان نفت محسوب می‌شد، اما الان اندونزی با صنعتی شدن تبدیل به واردکننده نفت شده است. لذا اگر سیاستمان را تغییر بدهیم و بجای صدور نفت خام بتوانیم در داخل چرخه‌هایی را بوجود بیاوریم که این نفت را مصرف کنیم دیگر نگرانی در مورد صادرات نفت یا تحریم‌هایی که مربوط به نفت است نخواهیم

داشت. چرا که یک بار در دوره مصدق این مشکل را دیدیم و بار دیگر در جنگ تحمیلی شاهد آن بودیم. بنابراین اگر ما بتوانیم چرخه نفت را داخلی کنیم می‌توانیم اقتصاد خود را به نحوی مقاوم‌سازی و واکنش‌پذیر کنیم.

اهداف می‌توانند همان اهدافی باشند که وجود دارند اما در چرخه‌هایی که الان وجود دارد، می‌بایست تجدید نظر کنیم. باید از وابستگی‌هایی که وجود دارد، پرهیز کنیم اما اقتصاد شکوفا داشته باشیم به گونه‌ای که خودمان بتوانیم تصمیم بگیریم و راهبردها را تعیین کنیم. در هر صورت دشمن با این اقدامات همچون جنگ تحمیلی، در مورد چشم‌انداز و برنامه ۵ ساله اختلال ایجاد کرده است. پس باید تغییراتی در برنامه خود بدهیم تا بتوانیم حرکت خودمان را برای رسیدن به اهداف مورد نظر ادامه دهیم.

دکتر قوامی

این دیدگاه که در مورد فرهنگ، سرمایه‌گذاری و کار فکری یا اعلام موضعی نمی‌شود، قابل قبول نیست. مقام معظم رهبری حدود ۲۰ سال پیش موضوع تهاجم فرهنگی را مطرح کردند و از همان زمان هم پیوسته تأکید بر این بوده است که مسئله فرهنگ در حوزه‌های مختلف مورد توجه دقیق مسئولان باشد. اما دلیل اینکه چرا امروزه اقتصاد مقاومتی مطرح شده این است که اکنون تمرکز کشورهای متخاصم بر روی اقتصاد ملی است و عملاً هم در جاهای مختلف موانع شدید اقتصادی ایجاد کرده‌اند و تا زمانی که اقتصاد مقاومتی به درستی تعریف و اجرا نشود، صحبت از فرهنگ صرفاً آن اثرگذاری مطلوب را نخواهد داشت، یعنی حداقل نمی‌تواند متوسط و عموم جامعه را دربر گیرد. به این دلیل است که در حال حاضر، روی بحث‌های اولیه فرهنگی یعنی الگو سازی و فرهنگ سازی برای تقویت

کل نظام اقتصادی بحث‌ها متمرکز شده‌اند که این تمرکز بر مسائل اقتصادی می‌تواند پشتوانه‌ای برای تقویت فرهنگی هم باشد.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر عیسوی

محورهایی که یک جامعه براساس آن حرکت می‌کند سه محور اساسی است: فرهنگ، سیاست و اقتصاد. تعامل این سه با هم وضعیت یک جامعه را تعیین می‌کند و آینده آن را رقم می‌زند. این سه مفهوم، مقوم یکدیگر هستند یعنی یک تعاملی بین این سه وجود دارد به طوری که هیچ‌وقت نمی‌توانیم فرهنگ را از سیاست یا از اقتصاد جدا بدانیم. بنابراین یکی از پیش‌شرط‌های شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در جامعه، توجه به مقوله‌های فرهنگی مرتبط با اقتصاد مقاومتی است. بنابر گفته‌های قبلی خودم، هر چقدر جامعه ما با آموزه‌های اسلامی، عجین‌تر باشد به همان نسبت امکان شکل‌دهی اقتصاد مقاومتی در جامعه بیشتر خواهد بود و امکان توفیق آن افزایش خواهد یافت. هرچه به سمت فرهنگ غیراسلامی سوق پیدا کنیم، به همان نسبت هم از توفیق در عرصه اقتصاد فاصله می‌گیریم.

اگر نتوانیم مسائلی مانند فرهنگ کار، پرهیز از لقمه حرام و نظایر آن را در جامعه نهادینه کنیم، نباید توقع داشته باشیم که نوسانات و ناهنجاریهای اقتصادی پیش نیاید. در حوزه‌هایی که سود عده‌ای تحریک می‌شود، هجوم به آنجا افزایش می‌یابد و از این حیث، اقتصاد مقاومتی می‌تواند شکست بخورد. پس توجه به مباحث اقتصادی به هیچ وجه نباید به مفهوم غفلت از مقوله‌های فرهنگی باشد. این اتفاق را بارها از سوی دولت‌ها در طول این چند سال تجربه کرده‌ایم و نتایج سوء آن را هم دیده‌ایم. پس باید در پیش‌شرط‌های دستیابی به الگوی موفق اقتصاد مقاومتی به مقوله‌های فرهنگی خصوصاً فرهنگ برخاسته از آموزه‌های اسلامی در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

حجت‌السلام والمسلمین علیزاده

در مورد این پرسش که آیا می‌توان اقتصاد مقاومتی را با رویکرد توسعه بررسی کرد، باید گفت بله البته به تعریف شما بستگی دارد. به نظر می‌رسد علاوه بر رویکرد توسعه با نگاه خاصی که آن را جهان شمول نمی‌داند، حتی در قالب مدل‌های رشد درون‌زا نیز می‌توان عوامل و الزامات یک اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار داد. بخصوص که در مطالعات مربوط، عوامل کیفی مثل انباشت دانش، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و حتی مذهب نیز در قالب چارچوب رشد اقتصادی بحث شده است.

در مورد این پرسش که اگر اقتصاد مقاومتی همان ریاضت اقتصادی است، آنگاه سیاست‌های کوتاه مدت اقتصاد مقاومتی چه تفاوتی با سیاست‌های بلند مدت دارد، باید گفت که در بحث مفهوم‌پردازی گفته شد که اقتصاد مقاومتی ریاضت اقتصادی نیست بلکه مثل هر شاخه دیگری از علوم اقتصادی، دارای مبانی، اصول، راهبرد و سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت است و بدیهی است که این سیاستها، مبانی و اهداف مشترکی دارند. اما طبق تعریف سیاست‌های کوتاه‌مدت، در وضعیتی است که امکان تغییر تمام عوامل نباشد.

در مورد این پرسش که پرسیدند آیا اقتصاد مقاومتی یک رویکرد سیاسی است که در جواب عرض می‌کنم خیر یک رویکرد سیاسی نیست گرچه در اقتصاد سیاسی نیز قابل بحث است. چرا که اقتصاد مقاومتی دارای مبانی، اهداف اصول و راهبردهایی است که برای تحقق اهداف آن، سیاست‌های خاص اقتصادی در یک بسته هماهنگ با اهداف سیاسی نظام به اجرا درمی‌آید.

پرسیده شده است که در رویکرد متعارف توسعه، پدیده اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان ملاحظه کرد. به نظر بنده در مدل‌های رشد درون‌زا این مقوله وجود دارد. عوامل کیفی مانند انباشت دانش، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، مسائل سیاسی و

حتی مذهب هم در نظریات توسعه وارد شده است که البته توسعه جهان‌شمول نیست، یعنی جغرافیا، فرهنگ، آیین، آداب و رسوم آن کشور را در نظر می‌گیرد. در پرسش دیگر که گفتند اگر اقتصاد مقاومتی همان ریاضت اقتصادی است آنگاه سیاست کوتاه‌مدت اقتصاد مقاومتی چه تفاوتی با سیاست‌های بلندمدت دارد، عرض می‌کنم که اینها چون مبانی مشترکی دارند، در یک راستا هستند، ضمن اینکه ما ریاضت اقتصادی تنها را هم نپذیرفتیم.

پرسیدند که آیا اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت است که پاسخ دادیم خیر، بلندمدت است و نه متعلق به یک مقطع زمانی.

پرسیدند چرا از یک منتقد اقتصاد مقاومتی در نشست استفاده نشده است، به نظر من پس از پایان نشست‌ها قضاوت خواهید کرد ضمن آنکه این مورد هم نفی نمی‌شود.

پرسیدند که آیا اقتصاد مقاومتی پیشینه دارد یا نه و گفتیم که اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط تهدید و تحریم قرار دارد، به هر اسمی که در کشورهای دیگر ممکن است وجود داشته باشد.

پرسیدند آیا اقتصاد مقاومتی یک رویکرد سیاسی است که گفته می‌شود خیر، زیرا این رویکردها محیط، فضا و مبانی خاص اقتصادی خود را می‌طلبند و تنها یک راهبرد سیاسی نمی‌تواند باشد.

دکتر درخشان

سؤالی مطرح شد در مورد جایگاهی که اقتصاد توسعه متعارف در اقتصاد رقابتی دارد و چگونگی استفاده از نظریات و سیاست‌های رایج در اقتصاد توسعه برای طراحی اقتصاد مقاومتی. نکته‌ای در این خصوص به نظر می‌رسد که به اختصار عرض می‌کنم. اگر بحث خود را به نظریات رشد و توسعه اقتصادی جدید محدود کنیم که

بعد از جنگ جهانی دوم و عمدتاً بعد از انقلاب کینزی مطرح شد می‌توان با اطمینان خاطر این نکته را بیان کرد که در تمام نظریات مطرح شده در حوزه رشد و توسعه اقتصادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه مغیر اصلی رشد و توسعه اقتصادی است. مبنای همه مدل‌های رشد اقتصادی که در این دوره ساخته شده است، از مدل‌های هارود-دومار و سولو گرفته تا مدل‌های سوان و اوزاوا، و صورت‌های پیشرفته‌تر این مدل‌ها که بعداً در تحقیقات ساموئلسون و پیروان او ملاحظه می‌شود، چیزی جز تکاثر سرمایه نیست. در چنین چارچوبی، طبعاً سرمایه‌گذاری نقش درجه اول را در رشد اقتصادی ایفا می‌کند و لذا کشورهای توسعه‌نیافته که فاقد سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری هستند نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی خواهند بود. در واقع، تنگناهای رشد و توسعه اقتصادی همواره از زاویه دید کمبود سرمایه تحلیل می‌شد. البته در این فرصت کوتاه، مجال ورود به تفاوت‌هایی که بین رشد و توسعه اقتصادی به لحاظ نظری وجود دارد، نیست و صرفاً به کلیات و اصول موضوعه بحث اکتفا می‌کنیم. بدیهی است تکاثر سرمایه به مثابه مبنای نظریات و سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و درصد افزایش تولید ناخالص داخلی به مثابه شاخص رشد اقتصادی (البته به معنای شاخص صرفاً کمی و بدون ملاحظه کیفیت و آثار فرهنگی این تولیدات و خدمات و تأثیری که بر روابط انسانی خواهد داشت) با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی ناسازگار است و لذا نمی‌تواند جایگاهی در اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

اگر بخواهیم داستان طولانی رشد و توسعه اقتصادی را از دیدگاه نظریات و سیاست‌های اقتصادی خلاصه کنیم می‌توان گفت که بعد از تحولات و پیشرفت‌های نظری در مقاطع مختلف زمانی، به این نتیجه رسیدند که هدف رشد و توسعه اقتصادی می‌بایستی انسان و توسعه ظرفیتهای انسانی باشد. از این رو، نظریات توسعه انسانی را مطرح کردند و شاخص‌های دیگری مانند بهداشت، آموزش، طول عمر و

توزیع درآمد را نیز به شاخص تولید ناخالص داخلی اضافه کردند و هم اکنون سالیانه شاخص توسعه انسانی یا HDI را منتشر می‌کنند و سطوح توسعه‌یافتگی کشورهای جهان را جدا از دیدگاه‌های ارزشی آنان، صرفاً براساس همین شاخص طبقه‌بندی می‌کنند.

آماریتا سن اقتصاددان معروف هندی و برنده جایزه نوبل اقتصاد، خدمات زیادی در این راستا انجام داده است و شاخص معروف سن را برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی مطرح کرده است که در آن توزیع درآمد، و نه فقط رشد درآمد، از عوامل اصلی در اندازه‌گیری رشد اقتصادی است زیرا اگر توزیع درآمد بهبودی را نشان ندهد چه فایده که تولید ناخالص داخلی رشد کند. نظریه «توانمندی» آماریتا سن نیز در همین رابطه شکل گرفته است زیرا که وی معتقد است هدف از رشد و توسعه اقتصادی همانا توانمند شدن انسان برای تأمین اهداف خویش است.

این مباحث، مغالطه‌ای بیش نیست. چون فرصت بسیار کم است فقط به دو دلیل اکتفا می‌کنم. دلیل اول این است که توجه به انسان در نظریات جدید رشد و توسعه اقتصادی به معنای اصالت انسان در این نظام اقتصادی نیست بلکه در نظام سرمایه‌داری، مبنای هم‌چنان اصالت سرمایه به صورت تکاثر سرمایه پابرجاست. بنابراین، توجه بیشتر به انسان در فرآیند تولید کالا و خدمات صرفاً برای جلوگیری از ایجاد بحرانهای کارگری و یا استفاده بهینه و کارا از نیروی انسانی در نظام تولیدی است و این حمایتها و توجهات به انسان تا جایی پیش می‌رود که حفظ و استقرار و پایداری اصل تکاثر سرمایه اقتضای آن را دارد. در واقع، در نظام سرمایه‌داری همواره اصالت با سرمایه است و نه انسان. بحران بزرگ مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی که هنوز هم ادامه دارد و تا چند سال بعد نیز آثار مخرب آن همچنان استمرار خواهد یافت شاهی بر این مدعاست. بعد از ظهور این بحران، همه سیاستها و راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با این بحران در حول محور «نجات سرمایه»

متمرکز شد، هدف این بود که شرکتهای بزرگ مالی را از خطر ورشکستگی نجات دهند. نجات انسانها و خانوارها کلاً به دست فراموشی سپرده شد. به بیان دیگر، برای نجات سرمایه، انسانها می‌بایستی قربانی شوند و همینطور هم شد و تا به امروز نیز این روند ادامه دارد. میلیونها نفر بیکار در آمریکا و اروپا، سیاستهای ریاضت اقتصادی، فشار فزاینده بر طبقات محروم در اکثر کشورهای اروپایی و سرکوب شدید تظاهرات و اعتراضات مردمی به این سیاستهای خشن اقتصادی همه و همه نمونه‌های بارزی از قربانی شدن انسانها برای حفظ و نجات سرمایه است. آیا این همه، حاصل الگوهای رشد و توسعه اقتصادی است که بر مبنای توسعه واقعی انسانی شکل گرفته است؟ چه الگوی توسعه انسانی که انسان را قربانی سرمایه می‌کند؟

دلیل دوم این است که وقتی می‌گویند توسعه انسانی اساس و زیربنای الگوهای رشد و توسعه اقتصادی است سؤال می‌کنیم که اگر قرار است انسان توسعه یابد آنگاه سمت و سوی این مسیر توسعه به کجاست؟ آیا می‌توان تصور کرد که توسعه انسانی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به جایی خواهد رسید که به مقابله با نظام سیاسی حاکم بر کشورهای سرمایه‌داری برخیزد؟ قطعاً چنین تصویری باطل خواهد بود زیرا نظام اقتصادی بایستی با نظام سیاسی هماهنگ و سازگار باشد. نظام اقتصادی نمی‌تواند در مسیری رشد و توسعه پیدا کند که توسعه انسانی منجر به تزلزل و نهایتاً سقوط آن نظام سیاسی شود. از این رو، یا بحث توسعه انسانی در الگوهای رشد و توسعه اقتصادی مغالطه‌ای بیش نیست یا آنکه می‌گویند منظور از توسعه انسانی همین است که طول عمر انسانها بیشتر شود، آموزش و بهداشت کافی داشته باشند و از امکانات بیشتر و بهتر مادی برخوردار شوند اما همین انسانهای توسعه یافته نمی‌بایستی کاری به نظامهای سیاسی، ایدئولوژیها، نظامهای ارزشی، دلایل توسعه نظام سلطه در کشورهای در حال توسعه و نظایر آن داشته باشند. در این صورت می‌گوییم که توسعه انسانی در این مفهوم، چیزی جز به خدمت گرفتن انسانها برای تحکیم و رشد

بیشتر نظام سرمایه‌داری نیست. تهی کردن انسان از ارزشهای انسانی چیزی جز تبدیل انسان الهی به انسان مادی نیست و لذا جایگاهی در اقتصاد رقابتی نخواهد داشت. در مجموع می‌توان گفت الگوهای رشد و توسعه اقتصادی که مبنای الهی نداشته باشند قابلیت استفاده در الگوی اقتصاد مقاومتی را نخواهند داشت. مبنای هر نظام می‌بایستی در تمام اجزاء و روبنای نظام در وجوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و به ویژه در روابط اجتماعی و انسانی ظاهر و متبلور شود. ما نبایستی از برخی اصطلاحات و تعابیر اقتصادی چنان استفاده کنیم که مبنای ارزشی خودمان فراموش شود. این امر حکم کلی است و در همه سطوح صادق است، حتی در محاسبه شاخص تولید ناخالص ملی که ساده‌ترین شاخص در محاسبه رشد اقتصادی است. برخی تولیدات که در اقتصادهای آمریکا یا اروپا موجب افزایش تولید ناخالص داخلی است و رشد اقتصادی را نتیجه می‌دهد در محاسبه رشد در اقتصاد اسلامی بایستی با علامت منفی ظاهر شود.

به عنوان مثال، فرض کنید یک خوک ۲۰۰ کیلویی و یک جوجه ۲ کیلویی را در مقابل ما قرار داده‌اند. به لحاظ پروتئین و سایر مواد غذایی، ارزش آن خوک به مراتب بیش از آن جوجه است و لذا از نظر معیارهای اقتصادی قطعاً قیمت بسیار بالاتری را دارد. اما از دیدگاه اسلامی ارزش آن خوک صفر و حتی منفی است و لذا قیمت آن جوجه به مراتب بیشتر خواهد بود زیرا ارزشهای اسلامی به سهولت این حسابداری اقتصادی را به کلی برهم می‌زند. البته این مثال، بسیار ساده است زیرا ظهور ارزشهای اسلامی در این مثال به صورت بارزی مشاهده می‌شود. اما بصیرت کافی لازم است تا عظمت ظاهری اقتصاد آمریکا نیز شبیه بزرگی همان خوک دیده شود. وظیفه ما اقتصاددانان در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر موازین و معیارهای اقتصاد اسلامی، این است که نسبت به مسائل و مقولات اقتصادی که علی‌الظاهر جنبه اسلامی و غیراسلامی ندارد بتوانیم با دقت نظر، پشت‌ظواهر را به

درستی بینیم و دلالت ترتیبات نهادی و سیاستگذاریهای اقتصادی را در حوزه‌های تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، توزیع و در همه جوانب اقتصادی به دقت بررسی کنیم و لوازم بعیده آنها را به ویژه در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی بسنجیم و نسبت به اسلامی بودن یا غیراسلامی بودن آن تصمیم بگیریم.

خلاصه مطلب این است که اگر توسعه انسانی در چارچوب الگوها و نظریات جدید رشد و توسعه اقتصادی منجر به ارتقای ارزشهای اسلامی در رفتار فردی و در روابط اجتماعی نشود و مناسبات اقتصادی و سیاسی را به صورت اساسی و پایه‌ای تحت تأثیر قرار ندهد آنگاه انسان، به جای آنکه هدف توسعه باشد، ابزار توسعه است و در ردیف سایر عوامل تولید مانند سرمایه، دانش فنی، منابع طبیعی و نظایر آن در خدمت نظام سرمایه‌داری قرار می‌گیرد، نظامی که بر مبنای اصالت سرمایه عمل می‌کند و این مبنا در همه اجزاء و روتین‌های نظام از جمله در انسان و توسعه انسانی ظاهر می‌شود و انسان را ضرورتاً به صورت ابزار تولید، اما با کارایی به مراتب بیشتر، وارد مناسبات تولیدی می‌کند تا در راستای هدف نظام که رشد مادیات است خدمت کند.

با توجه به اینکه فرصت تمام شده است اجازه می‌خواهم از استادان عزیزی که در نشست حضور داشتند و مطالب ارزنده‌ای مطرح کردند و از استادان، دانشجویان و صاحب‌نظرانی که تشریف آورده‌اند و از عزیزانی که سؤالات مهمی مطرح نمودند صمیمانه سپاسگزاری کنم. با صلوات بر محمد و آل محمد ختم جلسه را اعلام می‌کنم.

بخشی از پاورپوینت آقای دکتر قوامی

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور

دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهایی که شماها میدانید، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است. یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگیں یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز آمریکائیها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه میخواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی فشار است، میخواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ میخواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. میگویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ میگویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار میگیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمیشناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه

بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. میخواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمیفهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند میکنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم کنندگان را ناکام میکنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه‌ی این کارهایی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتوانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

استقامت در قرآن

- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت ۳۰)
- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف ۱۳)
- وَاللَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن ۱۶)
- فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (هود ۱۱۲ و ۱۱۳)
- فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَنَا حُجَّةٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری ۱۵)

اصول و حیانی اقتصاد مقاومتی

- ۱) اصل تداوم دشمنی دشمن تا دست برداشتن شما از دین
وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره: ۲۲۰)
وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره: ۱۲۰)

- ۲) اصل همبستگی مثبت ایمان، صبر و تقوی با امداد الهی
وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا

۶۴ اولین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

وَيَأْتُواكُمْ مِّنْ قَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران: ۱۲۳ تا ۱۲۵)

۳) اصل نفی سبیل و لزوم استقلال
لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)

۴) اصل لزوم بازدارندگی
وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ (انفال: ۶۰)

۵) اصل برتری مؤمنین و منع سستی و نگرانی
لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

۶) اصل تلازم برکت با ایمان و تقوا
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)

۷) اصل هدایت مجاهدین و دفاع از مؤمنین
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنكبوت: ۶۹)

بر اساس نص قرآن کریم

تأیید،

دفاع،

نصر،

رحمت،

ولایت

و نجات

منحصراً شامل مؤمنین می گردد.

محمد حسنین هیکل در کتاب «میان مطبوعات و سیاست» به ذکر جزئیاتی از جلسه‌ی ارائه‌ی گزارش کمیته‌ی ویژه‌ی کنگره‌ی آمریکا در سال ۱۹۷۴ می‌پردازد. این جلسه به ریاست سناتور چرچ، مأمور بررسی فعالیت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) تشکیل شده بود:

«از جمله نکته‌های قابل توجه در این گزارش این بود که مجله‌ی «ریدرز دایجست» که بعداً نیز با عنوان «المختار» به زبان عربی منتشر شد، در فهرست مجلاتی ذکر شده بود که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به انتشار آن کمک کرد و عجب این بود که نخستین شماره‌ی عربی آن که در مصر چاپ شد. ارزش‌هایی که المختار ترویج می‌کرد، در دو مورد قابل توجه است: اول موفقیت بستگی به شانس دارد و بر حسب اتفاق به دست می‌آید. دوم این که عدالت اجتماعی مرهون گرم‌کسانی است که حاضر به دادن اعانه و نیکوکاری باشند.»

انستیتو سیاست خاورمیانه که مقر آن در واشنگتن است در گزارشی که از نتایج مطالعات سال ۲۰۰۰ خود منتشر کرده، تأکید نموده است: «صادرات کالاهای

مصرفی به ایران باید از سر گرفته شود. این کار باعث کم شدن ارز خارجی موجود در ایران خواهد شد.»

آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی در کتاب خود با عنوان «غرور و سقوط» متن اظهاراتش در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۴ میلادی) و در جمع بازرگانان انگلیسی و دست‌اندرکاران تجارت و معامله با ایران را منتشر کرده است: «نخستین کاری که این‌جا می‌کنید، این است که تا می‌توانید، کالاهایتان را بفروشید و فقط در صورتی سرمایه‌گذاری کنید که برای فروش کالایتان چاره‌ای جز این کار نداشته باشید. اما اگر مجبور باشید در این‌جا سرمایه‌گذاری کنید، به میزان حداقل ممکن سرمایه‌گذاری کنید و صنایعی را انتخاب کنید که قطعات و لوازم آن از انگلستان وارد شود؛ مانند صنایع موتناژ که در واقع سوار کردن قطعات صادراتی انگلیسی در ایران است. در این محدوده و با توجه به این نکات، من معتقدم که ایران یکی از بهترین بازارهایی است که شما می‌توانید برای مصرف کالاهای خود در جهان سوم پیدا کنید.»

جرالد سگال -مدیر مطالعات انستیتو بین‌المللی استراتژیک لندن- در هفته‌نامه‌ی آمریکایی نیوزویک (فروردین ۱۳۷۷):

«غرب باید به شیوه‌ای که کمونیسم را مهار و آلوده کرد، با سایر دشمنان خود عمل کند.

...آلوده‌سازی شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن و ... از راه‌های اصلی آلوده‌سازی جوامع است.»

...«اکنون نیز باید استراتژی دوگانه‌ی مهار و آلوده‌سازی در دستور کار باشد. [...] مهار کافی نیست و آلوده‌سازی مهم‌تر است.»

... خوشبختانه آلوده‌سازی شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن (در کالاهای غیر استراتژیک) و [...] از جمله‌ی آنها است.»

الزامات اقتصاد مقاومتی

- مردمی کردن اقتصاد
- دانش بنیان کردن اقتصاد
- تنوع بخشی به صادرات
- مدیریت واردات
- تأکید بر تولید داخلی
- اصلاح سبک معیشت
- کارآفرینی جامع
- بومی سازی فناوری
- بهبود فضای کسب و کار
- حذف وابستگی به نفت

ویژگیهای سیستمی

- پویا
 - درون‌زا (خودباور)
 - پیش‌تاز (دارای حرف نو)
 - پیش‌نگر
 - عرضه محور
-



هفت انقلاب برای تحقق اقتصاد مقاومتی

■ تحول در پس‌انداز (سطح رشد) و بهره‌وری (شیب رشد)

■ اصلاح اساسی بازار پول و سرمایه

■ تحول در گفت‌وگو نخبگانی اقتصادی

■ تحول در حوزه‌ی ادراکی مردم

■ شاخص‌سازی برای پایش پیشرفت

■ بازتعریف نقش‌ها

■ مدیریت کلان اقتصادی

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه جمعی از علمای اصفهان در یک قرن پیش :

بر کسی که کفتش از پارچه ایرانی نباشد ، نماز نمی خوانیم .

بعد از تسبیح و تحمید

این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده ایم که مهما ممکن (بسم الله)

بعد ذلک تخلیف نمائیم ، فعلا پنج فقره است :

اولا: قبالحاجات واحکام شرعیه ، از شنبه (۱۴ جمادی الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهارنوشته شده ، اگر بر کاغذ های دیگر نویسند ، مهر نموده و اعتراف نمی نویسیم ، قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرار باشد ، امضاء نمی نمائیم حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی شویم ، ما ها با این روش متعهدیم .

ثانیاً: کفن اموات ، اگر غیر از کرباس و پارچه اوردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد ، متعهد شده ایم ، بر آن میت ما ها نماز نخواهیم . دیگری را برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند ، ما ها را معاف دارند .

ثالثاً : ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می شود ، قرار دادیم مهما ممکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباسهای غیر ایرانی را ، اما ما ملتزم شده ایم ، حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم ، تا بعین ما ها نیز کاذک و متخلف توقع احترام از ما ها نداشته باشد ، آنچه از سابق پوشیده ایم و دوخته ، ممنوع نیست استعمال آن .

رابعاً: میهمانی ها بعد ذلک ، ولو اعیانی باشد ، چه عامه چه خاصه ، باید مختصر باشد ، یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشوره ، اگر زائد بر این کسی تکلیف دهد ، ما را به محضر خود وعده نگیرد ، خودمان نیز به همین روش میهمانی می نمائیم ، هر چه کمتر و مختصر تر از این تکلیف کردند ، موجب مزید امتنان ما ها خواهد بود .

خامساً: افوری و اهل و افور را احترام نمی کنیم و به منزل او نمی رویم ، زیرا که آیات باهره (ان السیرین کثیرا یفوان الشیاطین - لا تسرفوا ان الله لا یحب المترفین - ولا تلقوا بائسکم الی التهلكة) و حدیث (لا ضرر و لا ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده ها و ممالک را به باد داده ، بعد از این هر که را فهمیدیم و افوری است ، به نظر توهین و خفت می نگریم .

امضای آقایان کرام و علماء فقام کثر الله امثالهم :

- ۱- شیخ الاسلام آقای حاج آقا نور الله ۲- حسین بن جعفر الفشارکی ۳- حجه الا سلام آقا نجفی ۴- شیخ مرتضی اژه
- ۵- آقا میرزا محمد تقی مدرس ۶- حاج سید محمد باقر بروجردی ۷- آقا میرزا علی محمد ۸- حاجی میرزا محمد مهدی جوینار
- ۹- سید ابوالقاسم دهکردی ۱۰- حاجی سید ابوالفضل زنجانی ۱۱- آقا محمد جواد قزوینی ۱۲- حاجی آقا حسین بیلابادی
- ۱۳- سید محمد رضا شهیر به آقا میرزای مسجد شاهی

پیوست ۲.

بخشی از پاورپوینت حجت الاسلام والمسلمین آقای خادم علیزاده

مفهوم شناسی و

مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی

مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی از آن رو اهمیت دارد که ادبیات اقتصادی درباره آن را هماهنگ و کارآمد می سازد.

همچنین می تواند در سایه بیان ویژگیهای مفهومی آن، در یک گفتمان سازی در بین اقتصاددانان، زمینه نظری لازم برای اجماع نظریه پردازان و تصمیم سازان کشور بر روی الگویی کامل را فراهم نماید.

Resistance Economy

یا

Resisting Economics

مقاومت در جایی است که نوعی تعدی و فشار و تهاجم وجود داشته باشد. و قیام کردن و ایستادگی در برابر این زور و هجوم بیگانه، ریشه در باورهای دینی و فرهنگی جامعه دارد. در این صورت مقاومت اقتصادی، ایستادگی در عرصه اقتصاد است که در تاریخ اقتصادی کشورهایی همچون آلمان، ژاپن، ویتنام و هند به شکل های متفاوتی بروز کرده است.

یک برداشت و مفهوم نادرست از اقتصاد مقاومتی، ماندن و اتخاذ موضع انفعالی در برابر تهاجم و تهدید و تحریم های اقتصادی دشمن و پذیرش محدودیت ها و محرومیت هاست.

در حالی که در مفهوم پردازی درست، اقتصاد مقاومتی، کسب توانمندی های بیشتر و جدیدتر و اتخاذ موضع فعال و پویا برای ایستادگی و خنثی کردن راهبرد های تحریمی بیگانگان بر اساس یک نظام کارآمد اقتصادی با تکیه بر منابع داخلی است.

در تعریفی وسیع تر می توان اقتصاد مقاومتی را نه یک راهکار محض دفاعی اقتصادی یا انفعال کوتاه مدت در برابر تحریم ها بلکه الگویی اسلامی، بومی و ایرانی در عرصه اقتصاد دانست.

روش شناسی نظریه اقتصاد مقاومتی

متدولوژی هر علم، بخشی از چرایی و فلسفه آن است. پس از مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی، شناخت چرایی، چگونگی و ماهیت این شاخه از علوم اقتصادی، در عرصه معرفت شناسی سامان می یابد. و پس از تبیین مؤلفه های این دانش یعنی دانش اقتصاد مقاومتی، نوبت به طرح روش شناسی آن می رسد.

بدیهی است اگر این شاخه از دانش اقتصادی را اثباتی و مهندسی محض بدانیم در بحث روش شناسی باید بدنبال اعتبار سنجی بهترین الگوی مهندسی کردن اقتصاد در شرایط تحریم ها و تهدیدها بود.

رویکرد دوم، نگاه دستوری محض به این شاخه می تواند باشد. اما اگر در رویکردی ترکیبی (رویکرد سوم) نظریه دانش اقتصاد مقاومتی را دارای ماهیتی دستوری همراه با مهندسی سازگار، تلقی کنیم،

مسلمانان روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبند که در آن بدنبال ارزیابی و اعتبارسنجی شیوه‌ای باشیم که مهندسی کردن اقتصاد و تخصیص بهینه منابع را در چارچوب ارزش‌های دینی و فرهنگی و بومی و اصول راهبردی خاصی، مورد هدف خود قرار می‌دهد.

برای نمونه:

در عرصه و نظریه تولید، هدف، حداکثر کردن میزان تولید کالای خاصی (مانند ضروری بودن، ارزآور بودن، استراتژیک بودن) با توجه به محدودیت منابع و قید بودجه تحریمی می‌باشد.

مبانی نظری اقتصاد مقاومتی

فلسفه اقتصاد مقاومتی شامل اپیستمولوژی و معرفت‌شناسی دانش اقتصاد مقاومتی و متدولوژی آن می‌باشد.

اما در نظریه دانش اقتصاد مقاومتی چه بعنوان یک رشته خاص از اقتصاد و چه بعنوان گرایشی از علوم اقتصادی مانند اقتصاد جنگ به چرایی این دانش و اهداف و مبانی خاص آن می‌پردازیم.

مبانی فلسفی نوع‌نگرش و جهان‌بینی حاکم بر نظام اقتصادی است. جهان‌بینی بشری در اقتصاد نئوکلاسیک یا نئوکینزی، تفسیر خاصی است که منجر به نظامی خاص از اقتصاد می‌شود که به مهندسی اقتصاد و مدیریت بهینه منابع موجود یا کمیاب می‌پردازد.

و در پرتو عقلانیت ابزاری به حداکثر کردن تابع مطلوبیت فرد و نوعی حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی جامعه می پردازد. بدیهی است در جهان بینی اسلامی، بدلیل تغییر نگرش و چشم انداز و اهداف، ساختار و ماهیت این توابع رفاه فردی و اجتماعی متفاوت می شود.

اقتصاد مقاومتی، مهندسی اقتصاد در وضعیت خاصی است (که یا در خود جامعه وجود دارد، قحطی، کمبود، بلایای طبیعی یا بشری و کمبود منابع طبیعی و نهاده های تولید در یک کشور خاص یا ایجاد محدودیت ها و تحریم هایی که به این جامعه تحمیل شده و ناشی از بستن راه ارتباط و مبادله با سایر کشورهاست) ولی هر نوع مهندسی را شامل نمی شود

و با مهندسی اقتصاد در ژاپن و آلمان در حال جنگ (و کمی پس از وضعیت جنگی) گرچه در تکنیک ها بعضاً مشابه است ولی چارچوب ارزشی، فرهنگی و سیاسی متفاوتی دارد.

کما اینکه تفاوت در فرآیندها و کالاهای تولیدی بخاطر تفاوت ویژگی های بومی و جغرافیایی نیز دیده می شود و ما در مقام تبیین چارچوب نظری الگوی اقتصاد مقاومتی در ایران ۱۳۹۱ یا دهه چهارم پس از پیروزی انقلاب اسلامی هستیم.

پس این جهت گیری فلسفی در نگاه ما به اقتصاد مقاومتی و طراحی اصول و بکارگیری تکنیک های تولیدی و روابط مبادله و الگوی مصرف و توزیع باید خود را آشکار کند.

مهمترین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱- عدالت اجتماعی

یعنی بخاطر اجرای عدالت اجتماعی باید چنین شکلی از اقتصاد را در پیش گرفت تا منافع امت اسلامی (کشورما) در برابر بیگانگان حفظ شود.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ...»

هر آینه پیامبرانمان را با حجت‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب- که وسیله تمییز حق از باطل است- و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به داد و انصاف برخیزند و آهن را فرو آوردیم که در آن نیرویی سخت- سلاح و وسایل کارزار و مانند آن- و سودهایی [دیگر] برای مردم است...» (حدید / ۲۵)

۲- عزت و اقتدار اقتصادی

برای عزت و رسیدن به اقتدار اقتصادی، باید در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و ... به گونه‌ای عمل کرد که جامعه اسلامی متأثر از تصمیم‌های سلطه‌آور بیگانگان نباشد.

باید توجه داشت که استقلال و اقتدار اقتصادی در کنار استقلال سیاسی جامعه اسلامی، از لوازم عقلی برخی آیات قابل استفاده است
در ادبیات اقتصاد اسلامی، اخیراً گاهی از اقتدار اقتصادی امت اسلامی به «استقلال اقتصادی» آنها تعبیر می‌شود که می‌توان آن را شرط لازم اقتدار اقتصادی امت مسلمان دانست.

منظور از استقلال اقتصادی، عدم پذیرش سلطه دیگران در تصمیم گیری اقتصادی و تأمین تمام یا عمده کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصادی است گرچه به دلایل اقتصادی همچون هزینه کمتر و مانند آن، دولت اسلامی به واردات برخی کالاها اقدام کند چون استقلال اقتصادی لزوماً با ارتباط و مرادده اقتصادی منافات ندارد.

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ...» و برای [کارزار با] آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته [و
زین کرده] آماده سازید تا بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگرانی جز
اینان که شما نمی‌شناسید - خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید...» (انفال / ۶۰)

به نظر مفسران گرچه ظاهر آیه مربوط به جنگ و دفاع است ولی عبارت «من قوه»
شامل هر نیرویی است که باعث حفظ و اقتدار جامعه اسلامی در مقابل دشمنان
می‌شود و اسب و یا هر نوع سلاح جنگی یکی از مصادیق «من قوه» است.

بنابراین، آیه شریفه که می‌فرماید نیرو فراهم کنید تا دشمن را به هراس افکند،
لازمه‌اش این است که در تمام زمینه‌ها از جمله عرصه اقتصادی، مسلمانان، مستقل و
خوداتکا باشند و الا با وابسته بودن به دیگران، امت اسلامی برای کفار، ترسی
نخواهد داشت.

«... وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا...»

و خدا هرگز برای کافران [برای تسلط] راهی بر مؤمنان ننهاده است. (نساء / ۱۴۱)

از آنجا که واژه «سییل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می‌رساند از آیه شریفه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نباید بر افراد با ایمان چیره شوند.

علاوه بر آیه قوه و تفسیر آن که اشاره به مدیریت درست با رویکرد کسب قدرت و اقتدار از جمله در بعد اقتصاد دارد و به عنصر توانمندی در برابر دشمنان خدا توجه دارد و کسب قوه را از راههای مختلف مورد تأکید قرار می‌دهد، می‌توان از آیات دیگری از قرآن کریم الهام گرفت که به خلاقیت و نوآوری برای حمایت از جامعه تأکید دارد مانند:

و علمناه صنعه لبوس لكم. (انبیاء / ۸۰) لبوس هرگونه اسلحه دفاعی و تهاجمی مانند زره، شمشیر و نیزه را شامل می‌شود گرچه در این آیه با توجه به قرائنی به معنای زره می‌باشد (تفسیر نمونه ج ۱۳ / ۴۶۵)

در این آیه، قرآن به تعلیم یا الهام صنعت زره سازی بعنوان نمونه ای از صنایع دفاعی اشاره می‌کند که می‌تواند بیانگر توجه قرآن به خلاقیت و ابتکار و تولید صنعتی باشد.

فاوحینا الیه ان اصنع الفلک.. مؤمنون ۲۳/ نمونه ای دیگر است که مربوط به صنعت کشتی سازی و آموزش آن می‌باشد.

امام صادق (ع) با اشاره به اهمیت پرداختن به صنایع مختلف می‌فرماید:

خداوند راه رسیدن مردمان به روزی و درآمد اقتصادی را در کارهای گوناگون صنعت های مختلف قرار داد و این تنوع شیوه ها و کارهای اقتصادی مختلف، برای بقای نوع بشر، پایدارتر و برای تدبیر امور حیات، صحیح تر است. (الحیاه ج ۵ / ۳۵۷)

از کلام این امام بزرگ می توان نتیجه گرفت برای حفظ جامعه اسلامی و امور آن از جمله امور اقتصادی، تنوع در شیوه ها و کالاها، ضریب ماندگاری و بقا و مقاومت همه جانبه را افزایش داده و از نظر تدبیر امور و سیاست گذاری از صحت بیشتری برخوردار است. (در مواجهه با تحریم ها و تهدیدها)

۳- استقلال و اقتدار در عرصه دانش و فناوری

قرآن کریم، جامعه و نظام اسلامی را موظف به تهیه و فراهم آوردن نیروهای اقتصادی، علمی، فناوری و ... برای رویارویی با دشمنان نموده است. آیه ۶۰ از سوره انفال، براساس تفسیر مفسران بزرگ قرآن مانند مرحوم علامه طباطبایی، اختصاصی به عرصه نظامی ندارد و شامل توانمند شدن در هر زمینه ای است که بتوان در برابر دشمنان مورد استفاده قرار داد که در شرایط امروز، اقتدار علمی و اقتصادی یکی از مصادیق آن است.

لزوم اقتدار در عرصه علم و فناوری، علاوه بر این آیه، از کلام قرآن ناطق، امیر المؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه نیز بخوبی قابل استفاده است که فرمود:

العلم سلطان، من وجده صال ومن لم یجده صیل علیه

امام علی (ع) می فرماید: ذات علم سلطان است و اقتدار می آورد

فرد و جامعه ای که قدرت علمی را پیدا کرد، در موقعیت برتری قرار می گیرد ولی اگر به این جایگاه برتر دست نیافت، مغلوب شده و دیگران بر او سلطه پیدا می کنند.

در شرایط کنونی جهان، مظاهر استقلال در عرصه علم و دانش، تعداد بیشتر نوآوری های علمی و فناوری، پیدا کردن راه های جدید برای تولید، مبتنی بر تولید و سرمایه ها و نهاده های بومی در چارچوبی اسلامی است.

۴- رشد و پیشرفت

چون خداوند از ما، رشد و آبادانی زمین را خواسته و شرایط و زمینه های آن را برای ما فراهم نموده ناگزیر در شرایط تحریم، بطور جدی تری باید اقتصاد بومی یعنی تلاش و سرمایه گذاری و تولید را با تکیه بر سرمایه ها و امکانات خود سامان داد.

«... هُوَ أَنشَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»

او شما را از زمین آفرید و شما را در آن زندگانی داد- یا شما را به آبادانی آن وا داشت-...» (هود/ ۶۱) برخی از مفسران معنای عمران و آبادی و پرداختن به اموری که لازمه اش توجه به رشد اقتصادی است را در آیه ترجیح داده اند.

برخی دیگر به تصرف در زمین و بهره گیری از آن، جهت تأمین نیازهای زندگی که عبارت دیگری از توجه به رشد و رفاه اقتصادی است توجه داده اند. المنار، ج ۱۲، ص ۱۲۱؛ الکشاف، ج ۲، ص ۴۰۷. المیزان ج ۱۰ ص ۳۱۰.

یعنی با خاستگاه قرآنی توجه به رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی معیشتی نیز، الزام به مقاومت و ایستادگی در برابر کسانی داریم که خواستار حذف امت اسلامی و در تنگنا قرار دادن برای تأمین معیشت آن برای رسیدن به حیا طیه دارند.

۵- ناهمسویی منافع جامعه اسلامی با منافع قدرت های بزرگ اقتصادی ناهمسویی منافع کشورهای اسلامی با منافع اکثر قدرت های بزرگ اقتصادی در جهان، یکی از آشکارترین دلایل ضرورت توجه به اقتصاد بومی و مقاومتی است.

چرا که اقتصادهای برتر بدنبال پیدا کردن بازارهای مصرف و بازارهای هدف صادراتی در کشورهای کوچکتر و اقتصادهای ضعیف و نوظهور می باشند.

و ماهیت سلطه گری آنها ایجاب می کند که از طریق انحصارهای اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی، مانع از پیشرفت، خوداتکایی و استقلال و توانمندی اقتصادی آنها شوند. در دهه های اخیر ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک به حمایت از انحصارهای اقتصادی برخاسته و ادبیات تحریم های گوناگون را شکل داده است.

چگونگی رویارویی این قدرت ها با جامعه اسلامی و راهکار مقابله با آنها در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده است.

۶- لزوم حفظ نظام

در معنای وسیع مبانی که مسائل قومی، ملی و بومی هم داخل در آن است در این صورت حفظ نظام (بعنوان ثانوی فقهی) نیز مبنای نظری اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

۸۰ اولین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری

فرشنده هندی در اثر آموزش گاندی، به خریدار گفت من حاضرم پارچه تولید داخل هند را که در کیفیت با مشابه خارجی برابر است فقط به خاطر حمایت از منافع کشورم و مبارزه با بیگانه کلی ارزانتر بدهم .

اما وقتی مشتری کالای خارجی را خرید او با قیچی، انگشت خود را کمی برید و خون چکید و گفت: تو با خرید کالای خارجی، خون یک هندی را ریختی.
